

کارگرانی که در معادن ذغال یا معادن دیگر کار میکنند در زمره ی بخشهایی از پروتارهای انگلیس بشمار میآیند که بهتر از دیگران مزد میگیرند . سابقا در جای خود گفته شد که اینان مزد خوبی را بچه قیمتی خریداری میکنند (۱۳۲) . در اینجائگاه سریمی بشرایط مسکن آنان میباید از هم . معمولا استخراج کنند می معدن ، اعم از اینکه مالک معدن یا مستاجر آن باشد ، برای کارگران خود تعدادی خانه ی روستائی مهیا میکند . خانه ی روستائی و مقداری ذغال برای سوخت " مجانا " در اختیار کارگران قرار داده میشود . بعضی اقلام مزبور بخشی از دستمزد را تشکیل میدهند که بصورت جنس تحویل میگردد . یکسانی که امکان بدست آوردن مسکنائی بدین صورت ندارند بجای آن سالانه ۴ لیره ی استرلینگ پرداخت میشود . مناطقی معدنی ، با سرعت ، جمعیت کثیری مرکب از خود کارگران معدن ، پیشه وران و دکانداران و غیره را بسوی خود جلب میکنند ، که در اطراف ناحیه ی معدنی جمع میشوند . مانند هرجائی که جمعیت متراکم است بهره ی زمین در این مناطق نیز بالاست . از اینرو متصدی معدن میکوشد تا تنگترین مکان ممکن را در دهانه ی معدن ، درست بپیماند از آنکه برای جادادن کارگران و خانواده هاشان لازم است ، برای ساختمان خانه ها اختصاص دهد . همیشه چاه های تازه ای در آن نزدیکی باز شد و یا معادن قدیمی از نومورد استفاده قرار گرفت فشار شدت پیدا میکند . در مورد ساختمان خانه های روستائی فقط يك اصل رهبر سرمایه دار است و آن عبارتست از " امساک " در هر آنچه برای انجام تمهیدات ناشی از تفرقه مطلقا ضرور نیست . دکتر جولیان هانتز میگوید : " خانه های معدنچیان و سایر کارگرانی که با امور معدنی نورث امبرلند (۱۳۳) و در پرهم (۱۳۴) سروکار دارند شاید بطور متوسط بدترین و گرانترین خانه هائی باشند که از این نوع در انگلستان بمقیاس وسیع دیده میشود ، باستثنا " خانه هائی که در نواحی نظیر آن در موناووت شایر (۱۳۴) وجود دارد . آنچه بیش از همه وضع را بدتر میکند کثرت تعداد افراد است که در يك اطاق مستقر شده اند ، محدود بودن مساحت محلی که در روی آن توده ی عظیمی از خانه ها ، کم آب و بی مستراح ، بنا شده اند و نیز معلول اسلوبی است که معمولا بکار میرود و عبارت از آنست که خانه ها را روی هم قرار میدهند و پاشکله Plats تقسیم میکنند (یعنی بنحویکه خانه های مختلفه عمودا روی هم قرار گرفته طبقاتی از عمارت را تشکیل دهند) . و متصدی باتمام این جمعیت چنان رفتار میکند که گویی آنها اقامت ندارند بلکه فقط در آنجا اردو زده اند " (۱۳۳) . دکتر استیونس (۱۳۴)

بقیه از زیرنویس صفحه ی قبل :

نیز بکار میرود . بیماری آبله غوغا میکند و موجب وقوع مرگ و میر متعدد می (بین این ترولگودیتها (۱۳۵) است " (همانجا . زیرنویس ۲) .

(۱۳۵) Troglodytes - نامی است که مردم غارنشین ماقبل تاریخ باغیر آن داده شده است .

(۱۳۶) جزئیاتی که در صفحه ی ۵۲۱ و بعد (صفحه ی ۴۲۱ و بعد این ترجمه ، جزوی سوم) داده شده

بویژه راجع بکارگرانیست که در معادن ذغال کار میکنند . در باره ی وضع کارگران معادن فلسزات

که از آنها بدتراست بگزارش منصفانه ی کمسیون پسادشاهی سال ۱۸۶۴ مراجعه شود .

(۱۳۷) Northumberland - ایالت شمالی انگلستان که کرسی آن نیوکاسل و یکی از مراکز پرکار

ذغال است .

(۱۳۸) Durham - یکی از کنت نشینهای خاوری انگلستان دارای کرسی ای بهمین نام .

(۱۳۹) Monmouthshire - یکی از کنت نشینهای باختری انگلستان واقع در ایالت گال .

" Public Health. Seventh Report ", London 1865, P.180,182 (۱۳۳)

مینویسد: « برای اجراء مأموریت خود، من اغلب دهات معدنچیان د پورهم یونین را دیدن کردم
... با استثنایات بسیار کمی میتوان گفت که از هرگونه وسیله ای برای تأمین سلامت ساکنین غفلت
شده است... همه ی کارگران معدن به اجاره دار "Leasee" یا مالک معدن د واژده ماهه
وابسته اند. "bound" اصطلاحی است که مانند bondage (وابستگی) از زمان سرواژهائی
مانده است مگر احياناً کارگران مزبور عدم رضایت خود را بروز دهند و پانچوی از انجا موجب
درد مزبور (viewer) گردند بازرس مزبور علامت پایادداشتی بدنبال نام آنها در کتابچه ی بررسی
میگذارد و بهنگام تجدید پیمان سالیانه ویرایشکار میکنند... بنظر من هیچ بخشی از سیستم ماده ی
جنس باجنس (Trucksystem) نمیتواند از آنچه در این مناطق پرجمعیت حکمفرماست بدتر باشد.
کارگران نیز است بعنوان سهمی از دستمزد خود خانه ای را بهیچ وجهی که حوالی آنرا کند و کثافت گرفته است
وی نمیتواند خود بداد خوشتن برسد. او از هر نقطه ی نظر سرف (رعیت وابسته) است.
(he is to all intents and purposes a serf) لذا این سؤال پیش میآید که بجز
مالک وی چه کسی میتواند او را باری کند. این مالک نیز پیش از هر چیز ترازنامه ی خود را مورد مشورت قرار
میدهد و نتیجه ی نظر غیر قابل خدشه است. علاوه بر این کارگر از صاحب معدن مصارف آب خود را نیز
دریافت میکند. ام از اینکه آب خوب باشد باید، آب جریان داشته باشد یا با پمپ، کارگر باید قیمت
آنرا بپردازد یا بهتر بگوئیم به کسر مقداری از دستمزد خود تن دهد» (۱۳۴).

هنگامیکه سرمایه، بمناسبت شرایط خطرناک و ناشایستی که کارگران را از حیث کار و مسکن
بآن محکوم ساخته است، با افکار عمومی و با پاپیس صحنی اختلاف پیدا میکند بهیچوجه رودرگشتی
ندارد از اینکه عمل خود را توجیه کند و بگوید که این وضع برای بهره کشی سود آلود از کارگر ضرور
است. همچنانکه سرمایه از هر اقدام تأمینی در برابر خطر ماشین آلات در کارخانه، نسبت به تیسو به
و استقرار وسائل تأمینی در معادن و غیره پرهیز دارد، در اینجا نیز در مورد محل سکنا ی معدنچیان
دارای همان روش است. دکتر ساپون بزشتک شاغل شورای مخصوص در گزارش رسمی خود میگوید:
« برای تهرته ی خویش در برابر اعتراض به وضع رسوای منازل با این مطلب استناد میدهد که معمولاً
معادن بصورت استیجاری مورد بهره برداری قرار میگیرند و مدت عقد اجاره (در معادن ذغال اکثراً اجاره
۲۱ ساله است) بقدری کوتاه است که برای اجاره دار صرف نمیکند و مسائل خوب سکنا برای کارگران و
پیشه وران و غیره آماده سازد و اگر هم اجاره دار شخصاً نظر آزاد منشا نه ای در این مورد داشته باشد
با مخالفت صاحب معدن روبرو میشود. میگویند شخصی اخیراً ذکر بهره دارای این گرایش است که پسلا
فاصله در مقابل امتیاز ساختن دهی آبرومند و راحت در سطح ملک خویش برای سکونت کارگرانی که
زیر زمین ملک ویرا بهره خیز میکنند، مبلغ گزافی اضافه بر بهره ی مالکانه مطالبه مینماید. این قیمت
تحریمی، اگرچه خود مستقیمانه ی نیست، در هر حال کسان دیگری را که در غیر اینصورت حاضر ساختن
هستند منصرف میکند... من نمیخواهم در باره ی ارزش این عذر بیش از این جستجو کنم و نیز لازم
نمیدانم در مورد اینکه مخارج اضافی لازم برای ایجاد مساکن آبرومند را سرانجام چه کسی باید متحمل شود:
مالک، اجاره دار معدن، کارگر و یا مردم... سخنی بگویم، ولی در مقابل این اوضاع و احوال
شرم آور، چنانکه از گزارشهای پیوست (گزارشهای دکترها نتر، استیونس و غیره) برمیآید، ناچار باید
چاره ای اندیشید... بدینسان از عنوان مالکیت زمین استفاده میشود تا امکان ارتکاب یک بی عدالتی
عمومی بزرگ میسر گردد. با سمت صاحب معدن، مالک زمین یک جمعیت صنعتی را برای کار در ملک خود
دعوت میکند و بعنوان مالک سطح زمین مانع از آن میشود که کارگران گرد آورده ای وی محل سکونت

شایسته ای که برای آنان ضرورت حیاتی دارد بدست آورند. اجاره دار معدن (سرمایه دار بهره کش) هیچگونه نفع پولی برای مقاومت در برابر چنین معامله ی غدارانه ای ندارد، زیرا وی بخوبی میداند که این تحمیلات، گرچه طاقت فرم است، ولی عواقب آن پاکبوی نیست و کارگرانی که باید عواقب مزبور را متحمل شوند هنوز ناآگاه تر از آنند که حقوق مربوط به بهداشت و سلامت خود را بازشناسند، و هنوز ندیده نشده که شرم آورترین سکنها و فاسدترین آنها باعصاب انجامیده باشد (۳۰).

(د) تا شهرانها نسبت به بخشی از طبقه ی کارگر که بهتر مزد میگردد

پیش از آنکه من بکارگران کشاورزی مفهوم خاص آن بپردازم لازمست بوسیله ی نمونه ای نشان داده شود که چگونه بحرانها، حتی در مورد بخشی از طبقه ی کارگر که بهتر از دیگران مزد میگردد، بسیار دگر نسبت به اشرافیت کارگری، تا شهر بخشی است. به یاد هست که سال ۱۸۵۷ شاهد یکی از بزرگترین بحرانهای بود که با آن هر بار در صنعتی بانجام میرسد. نقطه ی انتهای آن لسناال ۱۸۶۱ افتاد. بحران مزبور، که بد نبال کمبود پنبه مقدار بسیاری سرمایه را از مناطق عمل عادی خود بیرون میکشید و بسمت مراکز بزرگ بازار پول میراند و این بار بطور عمده خصلت مالی داشت، در نواحی خاص صنعتی از مدتی پیش احساس شده بود. آغاز آن در ماه مه ۱۸۶۱ با ورشکست یکی از بانکهای بزرگ لندن و در نبال آن با فرو ریختن عدده ی بسیاری از موسسات بی بنیاد مالی اعلام گردید. یکی از رشته های بزرگ صنعتی لندن که گرفتار بلایه ی مزبور شد همانا شعبه ای بود که بساختن و ساختن زره دار میپرداخت. سرجنیانان این صنعت در اوان رونق بازاری سه تنها پیش از حد لازم تولید کرده بود. بلکه بحساب اینکه اجبارات با همان نیرومندی از سرچشمه ی خود جریان خواهند یافت سفارشهای بسیاری را متعهد شده بودند. واکنشی هولناکی پدید شد که صنایع دیگر را نیز در بر گرفت (۱۲۶) و تا پایان مارس ۱۸۶۷ ادامه یافت. برای اینکه خصوصیت وضع کارگران را نشان دهیم قسمتی از گزارش مفصل یکی از خبرگزاران مرنینگ استار (۳) را، که در آغاز سال ۱۸۶۷ از مناطق عمده ی این بلایه دیدن کرده بود، ذیلا میآوریم: در قسمت خاوری لندن یعنی در بخشهای پوپلار، هاسل ول، گرنیچ، دپت فورد، لایم هاوز و کانینگ تون (۳) دست کم ۱۵۰۰۰ نفر کارگر با خانواده های خود

"Public Health, Seventh Report", London 1865, P. 16 (۳۰)

(۳۱) "Wholesale starvation" (Wholesale starvation | میبشماری از مستمندان لندن باز گرسنگی میبهرند | Wholesale starvation of the London Poor) (۳۱)

۰۰۰ of the London Poor) در جریان روزهای اخیر اعلاناتهای بزرگی با مضامین عجیب زین بد بواری لندن چسبانده بودند: گاوهای فریه، مردم گرسنگی زده، گاوهای فریه، که گاههای فریه، که گاههای بلورین خود را ترک کرده اند تا اغنباراد رخانه های پر جملشان فریه ترسانند، در حالی که مردم گرسنگی زده در رزاقه های محنت زای خود از دست میروند و میبهرند. اعلانات مسزور با مضامین تهدید کننده ی خود پیوسته تجدید میشدند. ناقصتی از آنها پاک میشد و یا با اعلان دیگری پوشانده میشد. فراقصمت جدیدی در همان محل با محل عمومی دیگری از نو نمایان میگردد. ۰۰۰ این وضع مقدماتی را ایجاد میآورد که ملت فرانسه را برای وقایع ۱۷۸۹ آماده میساخت. ۰۰۰ در این لحظه که کارگران انگلیس بازن و فرزند از سرما و گرسنگی تلف میشوند مایهونها پول انگلیسی که نتیجه ی دسترنج انگلیسی است در قرضه های روسی، اسپانیولی، ایتالیایی و سایر وامهای خارجی بکار میبرد.

(۳) Morning Star (۳) Canning Town, Linehouse, Deptford, Greenwich, Millwall, Poplar (۳)

در متبادرجه ی فقر و تیره روزی هستند که در میان آنها پیش از ۳۰۰۰ نفر در حد مکانیکهای ماهر
بشمار میآیند. ذخیره ی آنها در نتیجه ی شش - هشت ماه بیکاری باختر رسیده است. ۰۰۰ من بازحمات
بسیاری توانستم خود را به در کارستان پوپلار برسانم، زیرا در مزبور راجعات عظیمی از گرسنگان احاطه
کرده بودند. این جماعت در انتظار بلیط های نان بودند ولی هنوز موقع تقسیم آنها نرسیده بود. در
مزبور مریخی است تنومند که سایانی روی آن قرار گرفته و برفراز تمام دیوارها ادامه یافته است. در وسط
حیاط توده های ضخیم برف سنگ فرشها را میپوشاند. در اینجا محوطه های کوچکی با چهرهای حصیری
درست کرده اند که بهنگام هوای بهتر انسانها در میان آن کار میکنند. این محوطه ها عینا مانند آغسل
گوسفندان است. در روز دیدار من این آغل ها را چنان برف پوشانده بود که هیچکس نمیتوانست بدان
بنشیند. با وجود این افرادی در پناه سایبانها سرگرم اصلاح سنگ فرشها بودند. هر يك از آنها روی سنگ
قطری نشسته بودند و با چکش سنگینی آنقدر بروی سنگ خاری منجمد میکوبیدند تا آنکه پنج پوشل از آنرا
بکنند. آنگاه کار روزانه شان پایان یافته بود و در مقابل ۳ پنس و يك بلیط نان دریافت میکردند. در
قسمت دیگری از حیاط يك خانه ی چوبی محقری وجود داشت. وقتی در این خانه باز شد آنرا چنانسان
ملو از آدم دیدم که شانه بشانه ی هم میفشردند تا يك بگرار گرم کنند. اینان طناب کشتی در سمت
میکردند و با يك بگر در این مباحثه بودند که کداميك با حد اقل غذا میتواند طولانی تر از دیگران کار کند،
زیرا طول کار برای آنان مسئله ی غیرت بود. تنها در این يك کارستان ۷۰۰۰ نفر امداد میشدند که
صد هائفر از میان آنان تا شش یا هشت ماه پیش یا لاترین مزدهای کارگران ماهر این کشور را دریافت
مینمودند. اگر بسیاری از کارگران پس از آنکه تمام ذخیره ی نقدی خود را به پایان میرسانند تا هنگامیکه
چیزی برای گرو گذاردن در دست داشتند از مراجعه به نفقه ی کلیسایی خودداری نمیکردند، مسلما
تعداد این قبیل افراد مضاعف میشد. ۰۰۰ پس از آنکه کارستان را ترک نمودم در کوچه های پوپلار، که
خانه های يك طبقه در آن بسیار است، گشت زدم. راهنمای من عضو کمیته ی کمک به بیکاران بسود.
نخستین خانه ای که مادر آن وارد شدیم خانه ی يك کارگر فلزکاری بود که از ۲۷ هفته پیش بیکار بود.
این مرد ادا دیدم که با تمام خانواده اش در پستوی نشسته بود. اطاق مزبور هنوز کاملا از اثاث خالی
نشده و آتش نیز در آن فروخته بود. برای حفظ پاهای عریان کودکان گرما ضرورت مبرم داشت، زیرا
در آنروز هوا بشدت سرد بود. در طرف مقابل آتش ظرفی با مقداری الیاف کتان قرار داشت که زن و
بچه های کارگر آنرا در آزا^۱ نان کارستان میرشند. مرد خانه خود در یکی از حیاط هائی، که ذکر آن
فوقا گذشت، در آزا^۲ يك کوپن نان و ۳ پنس روزانه کار میکرد. چنانکه خود او با تبسم تلخی بیان میکرد،
وی اکنون با گرمی بسیار برای ناهار بخانه آمده بود و ناهارش مرکب از چند قطعه نان و پیه بسا
فنجانی چای بی شیر بود. ۰۰۰ در دو می راکه ما کوئیم زن میانه سالی گشود. وی بدون آنکه کلمه ای
بگوید ما را به پستوی هدایت کرد که در آنجا تمام خانواده اش نشسته بودند و ساکت چشم با تندی که
مهربان و خسته داشتند. آنچنان محیط یاس و حرمانی بر این مردم و اطاق کوچکشان مستولی بود که من
هرگز آرزو ندا رم چنین صحنه ای را یکبار دیگر ببینم. آن زن در حالیکه پسران خود را نشان میداد میگفت:
" آقا ۲۶ هفته است که اینان نتوانسته اند هیچ پولی در آورند و تمام پول ما یعنی پولی که من و پدرشان
در ایام بهتر برای روز مبادا صرفه جوشی کرده بودیم تمام شده است. خودتان ملاحظه کنید. این
همه را با فریادی تقریبا وحشیانه گفت و يك دفتر پس انداز بانکی را بمانشان داد که منظماتعام برداشتها
و وجوه دریافتی بی دری در آن قید شده بود، بطوری که ما توانستیم ببینیم چگونه این دارائی کوچک از
نخستین سروده ی پنج شیلینگ آغاز شد و تا در رجا به بیست لیبره ی استرلینگ بالغ گردید. و سپس
دوباره لیبره ها به شیلینگ رسید. و آخرین پول دریافتی، دفترچه ی پس انداز را مانند ورق پارهای
بی محتوی ساخته است. این خانواده روزانه بخور و نمیری از کارستان دریافت میکرد. ۰۰۰ د پاسدار

بعدی ما از زن بکنفرایرلندی بود که سابقا در کشتی سازی کار داشت. ما این زن را بحالی دیدیم که از کم غذائی بیمار شده و بالهاش بر روی دوشکی افتاده بود که بزحمت تکئی فرشی او را میپوشاند، زیرا تمام وسائل بستر به گورفته بود. اطفال بینوا پیش از او مراقبت میکردند، در حالیکه خود همکس محتساج غصواری مادرانهی وی بودند. ۱۹ هفته بیکاری اجباری و پراچنین وضعی رسانده بود در حالیکه او داستان گذشتهی تلخ را حکایت میکرد چنان آه میکشید که گوئی هرگونه امید به آیندهی بهتر از دست رفته است. . . . هنگامیکه از این خانه بیرون میرفتیم مرد جوانی سه پیش ما دید و از ما خواهش کرد به منزل او درآئیم و بهینیم شاید بتوانیم برای وی چاره ای بیاندیشیم. یک زن جوان، دو فرزند زیبا، یک دسته اوراق بانک رهنی و یک خانهی کاملاً تهی، عمارت از تمام آن چیزی بود که وی میتوانست به ما نشان دهد.

در بارهی زندگی فلاکت باری که در دنبا ل بحران ۱۸۶۶ بوجود آمد مستخرجه ای از یک روزنامهی توری (*) ران پلا میآوریم. نباید فراموش کرد که بخش شرقی لندن که در اینجا از آن صحبت میشود نه تنها، چنانکه قبلا در این فصل ذکر شد، مرکز ساختمان کشتی های زره دار است، بلکه در عین حال مرکز کار با اصطلاح خانگی است که پیوسته باد مستعززی پائینتر از حد اقل پرداخت میشود. در بروز بخشی از پایتخت شاهد منظره ای پس هولناک و رقت بار بود. با اینکه هزاران نفر از بیکاران بخش شرقی شهر بطور انبوه بدنبال برچم سیاه راه نیافتاده بودند معذک نیل انسانی بقدر کافی با ایهت بود. رنجها و مشقات این جمعیت را بخاطر میآوریم. اینان از گرسنگی میمیرند. این واقعهی ساده و وحشتناک است. اینها ۴۰۰۰۰ نفرند. . . . در عصر مادر یکی از محلات این پایتخت شگرف، درست در جنب عظیم ترین انباشت ثروتی که جهان تا کنون نظیر آنرا ندیده است، ۴۰۰۰۰ نفر بیچاره و بی بار گرسنگی میخورند. این مردم اکنون به محلات دیگر روی میآورند. اینان که همواره نیم گرسنه بوده اند درد و رنج خویش را در گوش ما فریاد میزنند، بانگ به آسمان بلند میکنند، از خانه های فلاکت زدهی خویش حکایت میکنند و بمام میگویند که برای آنان کار نیافتن، بی ثمر ماندن و بگدائی رفتن مقدور نیست. حتی آن افراد محلی نیز که وظیفه دار پرداخت مالیات فقرا هستند خود نیز در نتیجهی مطالبات برزنها بلب برنگاه مستمندی رانده شده اند.

(" Standard " , 5. April 1866)

نظر باینکه میان سرمایه داران انگلیسی مد شده است که بلژیک را مانند بهشت کارگران بستانند، زیرا در آنجا " آزادی کار " یا به عبارت دیگر " آزادی سرمایه " نه بوسیلهی استبداد اتحادیه ها و نه از راه قوانین کارخانه ای خدشه دار میشود، خوبست چند کلمه ای دربارهی " نیکبختی " کارگران بلژیکی گفته شود. یقیناً هیچکس بهتر از مرحوم دوک پتیو (**) بازرسی کل زندانها و مؤسسات نیکوکاری بلژیک و عضو کمیسیون مرکزی آمار آن کشور، به این نیکبختی بی نبرد است. اثر او دربارهی بودجه های اقتصاد طبقات کارگری بلژیک " Budgets économiques des classes ouvrières en Belgique " , Bruxelles 1855 مورد دقت قرار دهیم. در این اثر از جمله دیده میشود که درآمد و مخارج سالانهی یک خانوادهی عادی کارگری برهنای تاریخهای بسیار دقیق حساب شده و سپس خوراک آن خانواده با وضع تغذیهی سربازان، ملوانان و زندانیان مقایسه شده است. خانواده " مرکب است از پدر، مادر و چهار بچه " . از این شش نفر " چهار تا میتوانند طی تمام سال بطور مفید بکار اشتغال داشته باشند " . چنین فرض شده است که " هیچکدام از آنها بیمار و معلول

(*) Tory - حزب محافظه کار انگلستان

(**) Dupétioux, Edouard (۱۸۰۴ - ۱۸۶۸) - اقتصاد دان و محقق اجتماعی بلژیکی صاحب تحقیقات و تدقیقات جالبی درباره زندگی کارگران.

نیست "و" هیچ مخارج مذهبی، اخلاقی یا فکری جز مبلغ بسیار جزئی برای صندوقهای کلیسا وجود ندارد "و" هیچ شرکتی در صندوقهای پس انداز و بازتشمی نمیباشد "و" هیچ خرج تجلی و مخارج زائد دیگر نیز وجود ندارد "و" ولی بفرهی اینکه پدر و پسر ارشد معتاد به دخانیات باشند و روزهای یکشنبه بقهوه خانه بروند هفته ای ۸۶ سانتیم باین حساب کنار گذاشته شده است "و" از بررسی وضع هوی دستمزد هایی که بکارگران پیشه های مختلف پرداخت میشود چنین برمیآید ۰۰۰۰ که بالا ترین دستمزد متوسط روزانه برای مردان يك فرانك و پنجاه و شش سانتیم، برای زنان ۸۹ سانتیم، برای پسر بچه ها ۵۶ سانتیم و برای دختران ۵۰ سانتیم است "و" در صورتیکه این نرخ پایه قرار گیرد آنگاه حد اکثر درآمد سالانه ی خانواده به ۱۰۶۸ فرانك بالغ میگردد "و" در این خانواده که بحثا به نمونه تلقی شده است ماتمام درآمدهای ممکنه را بحساب آورده ایم "و" ولی هرگاه برای مادر دستمزدی قرار دهیم آنگاه مدیریت زندگی خانواده را از او سلب کرده ایم "و" چه کسی بخانه میرسد و کی بچه ها را مراقبت میکند؟ چه کسی باید آشپزی کند، بشوید، دوخت و دوز نماید؟ این معضاتی است که هرروز در برابربکارگران است "و"

بنابراین بودجه ی خانواده از اینقرار است :

پدر	۳۰۰	روزانه ی کار از قرار	۱۰۶۸	فرانك
مادر	"	"	۸۹	"
پسر	"	"	۶	"
دختر	"	"	۵۰	"
		جمع	۱۰۶۸	فرانك

اگر کارگر مانند ملوان یا سرباز یا زندانی غذا میخورد آنگاه مخارج سالانه ی خانواده و کسر بودجه ی وی بشرح زیرین ترفی منمود :

- اگر مانند ملوان غذا میخورد، مخارجش ۱۸۲۸ فرانك و کسر بودجه اش ۷۱۰ فرانك میشود.
- اگر مانند سرباز غذا میخورد، مخارجش ۱۴۷۲ فرانك و کسر بودجه اش ۵۵ فرانك میشود.
- اگر مانند زندانی غذا میخورد، مخارجش ۱۱۱۲ فرانك و کسر بودجه اش ۴۴ فرانك میشود.

" دیده میشود که نه تنها کمتر خانواده ی کارگری میتواند خوراک خود را در حد ود ملوانان و سربازان تا مهین کند، بلکه امکان اینکه حتی از این حیث بهای زندگی آنها برسد ندارد "و" در بلژیک هر زندانی در سالهای ۱۷۴۷-۱۸۴۹ روزانه بطور متوسط ۱۲ سانتیم خرج بر میداشت و این با مخارج زندگی کسی روزانه ی کارگر پیش از ۱۳ سانتیم تفاوت ندارد "و" هزینه های مربوط به اداره و مراقبت زندانیان نیز بدان جهت که زندانی کرایه خانه نمیدارد با هم میشود "و" باین وصف چگونه است که بسیاری از کارگران و حتی میتوان گفت اکثریت منهم آنها در شرایط با صرفه تری زندگی میکنند؟ این فقط از راه تدابیری است که راز آنرا تنها کارگران میدانند "و" آنها جیره ی روزانه ی خود را پائین میآورند، نان جو بجای نان گندم میخورند، کمتر با اصلا گوشت مصرف نمیکنند، از کره و چاشنی غذا چشم میپوشند، تمام خانواده را در يك یاد و اطاق میگذارند بطوریکه دختران و پسران با هم و اغلب در يك فسرفس میخوابند، در لباس و زهر پوش و وسائل نظافت صرفه جویی میکنند، از تفریحات یکشنبه چشم میپوشند و خلاصه رنج آورترین محرومیت ها را بخود هموار میکنند "و" هنگامیکه کارگران بچنین سرحد محسوس و میت رسیدند مختصر ترفی وسائل زندگی، يك بیکاری یا بیماری کالیست تا تیره روزی آنها را مضاعف کند و آنان را کاملا به الفلاس و هرائی بکشاند "و" قروض آنها را میشوند، از نسبه کاری محروم میشوند، پوشاک

و اثاث ضروری خانه بهائک رهتی منتقل میکردند و سرانجام خانواده مجبور است نام خویش را در سباه مستمندان ثبت نماید* (۱۲۷)

در واقع در این "بهشت سرمایه داران" کوچکترین تغییر در بهای وسائل ضروری زندگی موجب تغییراتی در شماره ی مرک و مهر و جنایت میشود! * مراجعه کنید به اعلامیه ی مات شاپی * (جامعه):

"De Vliamingen vooruit!" Brüssel 1860, S. 15, 16

در سرتاسر بلژیک ۹۳۰۰۰۰ خانوادۀ وجود دارد که بنا بر آمار رسمی از میان آنها ۹۰۰۰۰ خانوادۀ متمول (رامی دهنده) = ۴۵۰۰۰۰ نفر، ۳۹۰۰۰۰ خانوادۀ ی طبقات متوسط در شهر و ده وجود دارد که بخش بزرگی از آنها دائماً به پرولتاریا میپیوندند و بالغ بر ۱۹۵۰۰۰۰ نفر میشود. بالاخره ۴۵۰۰۰۰ خانوادۀ ی کارگری وجود دارد که تعداد اعضا آن برابریا ۲۲۵۰۰۰۰ نفر میشود. از میان اینان خانوادۀ های نمونۀ ای برمیگزینند که از سعادت توصیف شدۀ ی دیک پتیو بهره مند میگرددند.

ه) پرولتاریای کشاورزی انگلیس

خصلت متناقض تولید سرمایه داری و انباشت، هیچ جا خشن تر از به شرفیت کشاورزی انگلستان (بانضمام دامپوری) و به شرفیت کارگر کشاورزی آن سامان چشمگیر نیست. پیش از آنکه در باره ی وضع کنونی انگلستان سخنی گویم نظر سریعی به گذشته ی آن میاندازم. کشاورزی جدید انگلستان از میانۀ سده ی هیجدهم آغاز میشود، هر چند تاریخ تحول در مناسبات زمینداری، که تغییر شیوۀ ی تولید از آن مبدأ نشئت گرفته است، به مراتب قدیمتر است.

اگر با اطلاعاتی که آرثور یانگ (**) ناظر دقیق و متفکر سطحی، در باره ی کارگران کشاورزی سال ۱۷۷۱ بدست داده است مراجعه کنیم آنگاه دیدۀ میشود که کارگر مزبور در مقایسه با پیشینیان قرن چهاردهم که "درفراوانی نعمت مزینسته اند و امکان انباشت داشته اند" (۱۳۸) نقش بسیار ناچیزی ایفا میکند و در نسبت با قرن پانزدهم که "عصر طلائی کارگران انگلیسی در شهر و روستا"ست نیز به هیچوجه نمیتوان سخنی بهمان آورد. معدک نیازی پایتکه این اندازه بحق برگردیم نداریم. در اثر بسیار مستندی از سال ۱۷۷۱ چنین نوشته شده است: "فارم دار بزرگ تقریباً خوشن را به سطح نجیب زادگان رسانده است در حالیکه بینوا کارگر کشاورز تقریباً بخاک سیاه نشسته است... وضع نابسامان ورا میتوان از مقایسه ی شرایط امروزی او و چهل سال پیشی بروشنی دریافت... مالکین زمین و فارم داران برای اعمال ستم نسبت بکارگر دست بدست یکدیگر داده اند" (۱۳۹). سپس بتفصیل

Ducpétiaux: "Budgets économiques etc.", P. 151, 154, 155, 156. (۳۷)

Maatschappij (*)

Arthur Young (۱۷۴۱-۱۸۲۰) - نویسنده و آمارگر انگلیسی.

James E. Th. Rogers (۳۸) جیمزای. ث. راجرس (استاد علم اقتصاد در دانشگاه کسفور):

("A History of Agriculture and Prices in England", Oxford 1866)

این اثر که در نوشتن آن بطور جدی زحمت کشیده شده در دو جلدی که تاکنون از آن انتشار یافته

است (t. 1, P. 690) فقط دوران ۱۲۵۹ تا ۱۴۰۰ را در بر میگیرد. جلد دوم فقط محتوی

آمار ی است. این نخستین تاریخ واقعی قیمت های آن ازمنه است که در اختیار ما قرار داده شد.

Reasons for the late Increase of the Poor laws; or, a compara- (۳۹)

tive view of the Price of labour and provision", London 1777, P. 5, 11.

نشان داده میشود که دستمزد واقعی در روستا از سال ۱۷۲۷ تا ۱۷۷۷ در حدود ۱۰ تا ۲۵٪ تنزل نموده است. دکتر ریچارد پرایس (۳) در همین زمان میگوید: «سیاست جدید بحال طبقات عالی ملت مساعد است. نتیجه آن خواهد بود که در پرها زود تمام کشور پادشاهی فقط مرکب از نجبا و فقرا، بزرگان و پندگان خواهد شد» (۱۴۰).

با این وجود وضع کارگر کشاورزی انگلیسی از سال ۱۷۷۰ تا ۱۷۸۰، چنانچه لحاظ وضع ظاهری و مسکن و چه از حیث آبروندی و سرگرمی و مشغولیات و غیره، ایده آلی را تشکیل میدهد که پس از آن هرگز دوباره بدست نیامده است. چنانچه مزد متوسط وی بر حسب پیمانها (۳۳) گندم بیان شود آنگاه مزد منور از ۱۷۷۰ تا ۱۷۷۱ نود پیمان، در زمان آیدن (۳۳۳) (۱۷۹۷) باز هنوز ۶۵ پیمان بوده، ولی در ۱۸۰۸ به ۶۰ پیمان رسیده است. (۱۴۱)

وضع کارگران کشاورزی که در پایان جنگ ضد ژاکوبین (۳۳۳)، که در اثنای آن ملاکان، فارم داران، کارخانه داران، بازرگانان، بانکداران، بورس بازان، آمارگران ساز و برگ ارتش و غیره بنحوی شکستی برکت خود افزودند، سابقا بیان شده است. خواه در اثر کاهش ارزش اسکناس و خواه در نتیجه ی ترقی، که مستقل از کاهش ارزش اسکناس در بهای وسائل اولیه ی زندگی بوجود آمده بود، مزد اسمی بالا رفت. ولی تغییرات واقعی دستمزد را میتوان بدون وارد شدن در جزئیات زائد بنحو ساده ای تشخیص داد. در سال های ۱۷۹۵ و ۱۸۱۴ قانون کتک به پهنوایان و اجرا آن یکی بود. به خاطر هست که این قانون چگونه در روستاها اجرا میشود: هر پخش کشتی نشین مزد اسمی را فقط تا مبلغی که اسما برای پخور و نمیر کارگر لازم بود بصورت صدقه تکمیل مینمود. رابطه بین مزدی که توسط فارم دار پرداخته میشد و کمبود مزدی که از جانب پخش جبران میگردد دو نکته ی ذیل را آشکار میسازد: اول آنست که دستمزد به پائینتر از حد اقل و ثانیاد رجه ی مزد بگیری و مستندی کارگر کشاورزی با بهبارت دیگر

(۳) Richard Price (۱۷۲۲-۱۷۹۱) - مقاله لبرال انگلیسی که به پشتیبانی از جنبش استقلال طلبانه اسکاتلند و یکی از دستاورد فرانکلین بود. وی درباره ی مالیه آثاری دارد.

(۳۰) Dr. R. Price: "Observations on Reversionary Payments" 6. Ed. M. Morgan, London 1803, t. II. P. 158, 159.

پرایس در صفحه ۱۵۹ اثر خودش تذکر میدهد: «بهای اسمی روزانه ی کار در این لحظه پیش از ۴ بار با اکثر پنج بار بالاتر از آنچه در سال ۱۷۹۵ بود نیست. ولی قیمت گندم ۷ بار، قیمت گوشت و لپا مرتفعتر ۵ بار بالاتر از آنوقت است. بنابراین بهای کارباند از ای نسبت به هزینه زندگی طب مانده است. اکنون بنظر نمیرسد نسبت به خارج زندگی حتی بتواند نیمی از آنچه سابق میخرید بدست آورد».

(۳۱) Pinte (پنت) که در متن آمده و به پیمان ترجمه شده واحد حجم قدیمی برای مایعات و جبهات است که در فرانسه معادل ۹۲ لیتر، در انگلستان برابر با ۶۸ لیتر و در امریکا مساوی با ۵۷ لیتر بوده است. مقایسه ی مذکور در متن با واحد انگلیسی بعمل آمده است.

(۳۲) مقصود سرفرد ریک مورتون آیدن Sir Frederick Morton, Eden (۱۷۱۱-۱۸۰۹) اقتصاد دان بورژوازی انگلیسی، از پیروان نامی مکتب آدام اسمیت است که در صفحه ۴۴ همین ترجمه نیز درباره ی برخی از نظریات او گفتگو شده است.

(۳۳) Barton: "Observations etc.", P. 26

برای آخر سده ی هیجدهم به اثر آیدن تحت عنوان "The State of the Poor" را
(۳۳۳) مقصود جنگهایی است که انگلستان از سال ۱۷۹۲ تا ۱۸۱۵ طبع انقلاب فرانسه نموده است.

اینکه تا چه درجه ویرا بدل برصیت کشیش نشین نموده بودند.
 مابرای نمونه کنت نشینی را انتخاب میکنیم که نمودار وضع متوسط همه ی کنت نشینها باشد. در سال ۱۷۹۵ مزد هفتگی متوسط نورثامپتون شاپر به ۷ شیلینگ و ۶ پنس و هنزنه ی سالانه ی پیک خانوار شش نفری به ۲۶ لیره ی استرلینگ و ۱۲ شیلینگ و پنج پنس بالغ میگردد، مجموع درآمد خانواده ی مزبور ۲۹ لیره و ۱۸ شیلینگ بود و کمبودی که توسط بخش جبران میشد بالغ بر ۶ لیره و ۱۴ شیلینگ و ۵ پنس میگردد. در سال ۱۸۱۴ دستمزد هفتگی در همین کنت نشین ۱۲ شیلینگ و ۲ پنس بود، هنزنه ی سالانه ی یک خانواده ی پنج نفری بالغ بر ۵۴ لیره ی استرلینگ و ۱۸ شیلینگ و ۴ پنس میشد، مجموع درآمد خانواده ۲۶ لیره ی استرلینگ و ۲ شیلینگ و کمبود مورد پیرواخت و بخش، ۱۸ لیره ی استرلینگ و ۶ شیلینگ و ۴ پنس بود (۱۴۲). بنابراین در سال ۱۷۹۵ کسری بودجه ی خانواده کمتر از دستمزد بود و در ۱۸۱۴ از نصف آن تجاوز میکرد. بخودی خود میتوان درک نمود که تحت چنین شرایط، آن وسائل آسایش حطری هم که ابدن در خانه های روستایی کارگر کشاورزی یافته بود، در سال ۱۸۱۴ از بین رفته بود (۱۴۳). از میان تمام حیواناتی که فارم دار در اختیار دارد، از این پس کارگر، یعنی افزار صدادار (۱۴۳) بیش از همه مورد آزار قرار میگردد، از همه بدتر غذا به میشود و پیش از همه در معرض رفتار خشونت آمیز است.

این اوضاع و احوال همچنان با آرامی ادامه یافت تا آنکه "شورشهای رعد آسای سال ۱۸۳۰ در پرتو شعله ی خرمشهای سوزان برما (یعنی بر طبقات حاکمه) روشن ساخت که فقر سیاه و ناراضگی میان آمیز، دیوانه وار هم بر صنعت و هم بر سطح کشاورزی انگلستان زبانه میکشد" (۱۴۴). در آن زمان سدلر (۱۴۴) کارگران کشاورزی را در مجلس عوام "بندگان سفید پوست" خواند و اسقفی نیز همین عنوان را در مجلس اعیان تکرار نمود. جالب ترین اقتصاددان این دوره ای. جی. هیکل (۱۴۴) میگوید: "کارگر کشاورزی انگلستان جنوبی برده نوست، وی انسان آزاد هم نیست، مستند است." (۱۴۵)

زمانیکه بلافاصله قبل از لغو قانون غلات قرار گرفته است روشنفانی تازه ای بوضع کارگران کشاورزی میافکنند. از سوشی پسود بلغمی بیرونی بود که ثابت کنند این قوانین حمایت گر چند رگم از تولید کنندگان واقعی غلات حمایت مینماید. از سوی دیگر بیرونی صنعتی از اینکه آنستو کراس زمیندار، این افراد از بیخ و بن فاسد، سنگدل و بیکاره، خود را هم در رنجهای کارگران کارخانه ها وانمود میکرد نظیرای تصویب قوانین کارخانه ها "تلاشی دیپلوماتیک" بخرج میدادند، سخت پخشم آمده بود. این یک مثل قدیمی انگلیسی است که میگوید: هرگاه دود دزد دست بگیریان شوند همواره چیز سودمندی از آن در

Parry: "The Question of the Necessity of existing Corn Laws considered", P. 86. (۱۲)

(۱۳) همان اثر صفحه ی ۲۱۲

(۱۴) در مورد این اصطلاح بنظر نویس ۱۷ صفحه ی ۲۰۲ این ترجمه مراجعه شود.

B. Laing: "National Distress", P. 62 (۱۴)

Sadler, Michael Thomas (۱۷۸۰-۱۸۲۰) - سوسیالیست رفورمیست (۱۵)

انگلیسی، نماینده ی مجلس عوام، یکی از مخالفان سرسخت مالتوس و سیاست دزهای باز.

"England and America", London 1833, t. I. P. 47 (۱۶)

Wakefield, Edward Gibbon (۱۷۹۶-۱۸۱۲) - اقتصاددان انگلیسی و (۱۷)

یکی از هواداران سیاست مستعمراتی

میآید. در واقع مشاجره ی پرهیا هو و پرشور د و گروه طبقه ی حاکمه در بهره ی این مسئله که کدامیک از آند و کارگر را بیشترمانه ترمیچلهید، از چپ و از راست به تجلی حقیقت کمک نمود. کنت شفتس بری (۵) ملقب به لرد اشلی پختاز عرصه ی نبرد بشرد و ستانه ی آرستوکراتها طیه کارخانه ها بود. از بنبرو است که از ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۵ روزنامه ی مورنینگ کرونیکل و پراهدف شاه مقالات افشاگرانه ی خویش در مورد وضع کارگران کشاورزی قرارداد داده بود. این روزنامه که تا آن زمان بهترین ارگان لیبرال بود مخبرین ویژه ی خویش را بنواحی روستائی میفرستاد و مخبرین مزبور بهیچوجه بتوصیف کلی و آمار قضاوت نمیکردند بلکه هم نام خانواد ه های کارگری مورد تحقیق خود و هم نام مالکین ارضی را منتشر میساختند. جدولی که ذیلا میآوریم مزدهائی را که در سه دهه واقع در حوالی بلان فورد، همپتون و پهل، پرداخت میشدند بدست میدهد. دهات مزبور ملك آقای جی. بنکس و کنت شفتس بری هستند. جالب توجه

اطفال	تعداد اعضا خانواده	دستمزد هفتگی مردان	دستمزد هفتگی اطفال	دستمزد هفتگی همه خانواده	اگر ایه خانه هفتگی	مجموع مزد هفتگی پس از وضع کرایه خانه	سزانه مزد هفتگی
a	b	c	d	e	f	g	h
۲	۴	۸ شیلینگ	-	۸ شیلینگ	۲ شیلینگ	۱ شیلینگ	۱ شیلینگ و ۱ پنس
۳	۵	۸	-	۸	۱ شیلینگ و ۱ پنس	۱ شیلینگ و ۱ پنس	۱ شیلینگ و ۱ پنس
۲	۴	۸	-	۸	۱ شیلینگ	۷ شیلینگ	۱ شیلینگ و ۱ پنس
۲	۴	۸	-	۸	۱ شیلینگ	۷ شیلینگ	۱ شیلینگ و ۱ پنس
۱	۸	۷	۱-۱ شیلینگ و ۱ پنس	۱۰-۱ شیلینگ و ۱ پنس	۲ شیلینگ	۸ شیلینگ و ۱ پنس	۱ شیلینگ و ۱ پنس
۳	۵	۷	۱-۲ شیلینگ	۷ شیلینگ	۱ شیلینگ و ۴ پنس	۵ شیلینگ و ۸ پنس	۱ شیلینگ و ۱ پنس
۱	۸	۷ شیلینگ	۱-۱ شیلینگ و ۱ پنس	۱۰-۱ شیلینگ	۱ شیلینگ و ۱ پنس	۸ شیلینگ و ۱ پنس	۱ شیلینگ و ۱ پنس
۱	۸	۷	۱-۱ شیلینگ و ۱ پنس	۷	۱ شیلینگ و ۱ پنس	۵ شیلینگ و ۱ پنس	۱ شیلینگ و ۱ پنس
۸	۱۰	۷	-	۷	۱ شیلینگ و ۳ پنس	۵ شیلینگ و ۱ پنس	- شیلینگ و ۷ پنس
۴	۱	۷	-	۷	۱ شیلینگ و ۱ پنس	۵ شیلینگ و ۱ پنس	۱۱ پنس
۳	۵	۷	-	۷	۱ شیلینگ و ۱ پنس	۹ شیلینگ و ۱ پنس	۱ شیلینگ و ۱ پنس

نرزهوس در صفحه ی بعد

اطفال a	تعداد اعضا خانواده b	دستمزد مردان هفتگی c	دستمزد اطفال هفتگی d	دستمزد هفتگی همه خانواده e	کرایه خانه هفتگی f	مجموع مزد هفتگی پس از وضع کرایه خانه g	سرانه مزد هفتگی h
۴	۶	۷ شیلینگ	-	د ه سوم ۷ شیلینگ	۱ شیلینگ	۶ شیلینگ	۱ شیلینگ
۳	۵	۷ " "	۱-۲ شیلینگ	۱۱ شیلینگ و ۶ پنس	۱۰ پنس	۱۰ شیلینگ و ۸ پنس	۲ شیلینگ و ۱ پنس
۰	۲	۵ " "	۱-۲ شیلینگ و ۶ پنس	۵ شیلینگ	۱ شیلینگ	۴ شیلینگ	۲ شیلینگ (۴۱)

است که این پاپ کلمسای دانی " low church " رئیس پی اتیست های (*) انگلستان، عینا مانند همکاریش بگس، از همین مزد ناچیز کارگران باز قسمت مهمی را به پنهانی کرایه خانه بچیب میزدند.
الغای قانون غلات جنبش فوق العاده ای در کشاورزی انگلستان پیش آورد. زه کشی بمقیاس وسیع (۲۷)، سیستم جدید تغذیه ای دام در اصطبل و کشت طوطی مصنوعی، بکار بردن دستگاہهای مکانیکی کود دهی، شیوه ای جدید در مورد زمینهای خاک رس دار، افزایش استفاده از کودهای معدنی، استفاده از ماشینهای بخار و انواع دیگر ماشینهای جدید کار و غره و بطور کلی زراعت تراکم ترخصلت نما و شاخص این دوره است. رئیس بنگاه پادشاهی کشاورزی، آقای پوزی معتقد است که هزینه های تولیدی (بطور نسبی) در نتیجه ای بکار افتادن ماشینهای جدید تقریباً به نصف تقلیل یافته است. از طرف دیگر بازده مثبت زمین به سرعت ترقی نمود. سرمایه گذاری بزرگتر بر حسب آبر و لذت انجم و کرد آبی شتابان فارمها نیز شرط اساسی اعمال اسلوبهای جدید بود (۲۸). در عین حال مساحت زمینهای زهر

زیرنویس صفحه ی قبل :

(*) Ashley, Earl of Shaftesbury (۱۸۰۱-۱۸۸۵) - مرد سیاسی انگلیسی از جناح

محافظه کار و یکی از زمینداران بزرگ انگلستان در قرن نوزدهم.

(۲۱) " London Economist ", 29 March 1845, P. 290

(*) Pietiste - پی اتیسم Pietisme - نظریه ای ویژه ای جماعتی از مومنین پروتستان است که

زاهد منشی و ریاضت را شعار خود قرار داده و معتقد است که از اینراه همه ی مومنین میتوانند به سه درجه ی پیشوائی دینی و اجتهاد نائل گردند.

(۲۷) بدین منظور آن مستوکراسی ارضی برای خود سرمایه هائی بصورت مساعده از صندوق دولتی - والیته

باتصویب پارلمان - باسود بسیار کم تهیه نمود، که فارم داران میبایستی آن سرمایه هارا بطور مضایف به زمینداران برمیگرداندند.

(۲۸) کاهش تعداد فارم داران متوسط را میتوان از جمله درفصول سرشماری مربوط به " پسر فارم دار،

پسر نوه، برادر، پسر برادر یا خواهر، دختر، دختر نوه، خواهر، دختر خواهر یا برادر" و خلاصه

بقیه در زیرنویس صفحه ی بعد

کشت از ۱۸۴۶ تا ۱۸۵۶ در حدود ۱۱۹ ۴۶۴ آکر توسعه یافت . از زمینهای بزرگ کنت نشینهای خاوری که خرگوش زارها و چراگاههای فقیرش بطور اجاز آمیز بدل بگندم زارهای خرم و شکوفان گردیده بود سخنی نمیگوئیم . سابقا گفته ایم که درین حال مجموع تعداد اشخاصی که در کشاورزی اشتغال داشتند تنزل نمود . اما در مورد کشاورزان واقعی از هردو جنس و از هرمن و سال تعداد آنها از ۲۶۹ ۲۴۱ نفر در سال ۱۸۵۱ به ۲۱۷ ۱۶۳ نفر در سال ۱۸۶۱ تنزل نمود (۴۹) . بنابراین اگر مدبرکل ثبت انگلستان بدرستی تذکر میگردد که : « از سال ۱۸۰۱ به بعد افزایش تعداد فارمداران و کارگران کشاورزی هیچگاه با افزایش محصولات کشاورزی متناسب پیش نرفته است » (۵۰) ، بسایر دانست که عدم تناسب برای دوران اخیر باز هم به مراتب بیشتر صادقی است زیرا کاهش مطلق جمعیت کارگری روستائی با توسعه ی زمینهای زراعت ، باززراعتی متراکم تر ، با انباشت بهسابقه ی سرمایه هاشی که در خود زمین بکاررفته و پابرای کشت و کارآن تخصیص داده شده است ، با افزایش تولید بطنیاسی که در تاریخ کشاورزی انگلستان بهسابقه است ، با بهره های گزاف مالکین زمین و ثروت روز افزون فارمداران سرمایه دار ، همراه بوده است . اگر این مجموع را با توسعه ی سریع و بدون انقطاع بازارهای شهری و تسلط بازرگانی آزاد در نظر بگیریم ، آنگاه باید گفت که کارگر کشاورزی پس از اینهمه جوش و جلا و تک و پو (*post tot discrimina rerum*) بالاخره در درون آن شرایطی قرار داده شده است که بنا بر قواعد اهل فن (*secundum artem*) ، میبایست ویرا از شدت خوشی و بهرزی دیوانه مساخت .

ولی پروفیسور راجرس (۵۱) بحکمی باین نتیجه میرسد که لازم نیست کارگر کشاورزی امروزی انگلستان را با پیشینیان نمایی دوم قرن چهاردهم و قرن پانزدهم وی سنجید بلکه تنها مقایسه با پیشینیانش در دوره ی بین ۱۷۷۰ تا ۱۷۸۰ کافیست نشان دهد که وضع او فوق العاده یو خامت گرانیده و وی از نو بصورت سرف درآمدی است ، آنها در واقع سرفی که غذائی بدتر و مسکنی زشت تر دارند (۱۰۱) . دکتر جولیان هانت در گزارش دوران ساز خود راجع به شرایط سکنا ی کارگران کشاورزی میگوید : « هزینه ی

بفیه ی زرنویس صفحی قبل :

ازوی اعضا خانواده ی وی که بکار اشتغال دارند دریافت . این فصلی در سال ۱۸۵۱ مشتمل بر ۲۱۶ ۸۵۱ نفر بود ، در ۱۸۶۱ فقط ۱۵۱ ۱۷۶ نفر . از سال ۱۸۵۱ تا ۱۸۷۱ در انگلستان از فارمهای کمتر از ۲۰ آکر بیش از ۹۰۰ تا کم شده است . و تعداد فارمهایی که بین ۵۰ و ۷۵ آکر بوده اند از ۸۲۵۳ به ۶۲۷۰ تقلیل یافته است و در مورد کلیه ی فارمهای کمتر از یکصد آکر همین پدیده مشهود است . بعکس در جریان همین ۲۰ سال تعداد فارمهای بزرگ افزایش یافته است . آنهاکه از ۳۰ تا ۵۰۰ آکر هستند از ۷۷۷۱ عدد به ۸۴۱۰ رسیده اند و فارمهایی که بیش از ۵۰۰ آکر مساحت داشته اند از ۲۷۵۵ به ۳۹۱۴ عدد ترقی نموده و آنهاکه بیش از ۱۰۰۰ آکر داشته اند از ۴۹۲ به ۵۸۲ عدد ترقی کرده اند .

(۴۹) تعداد چوپانان گوسفند از ۱۲۵۱۷ نفر به ۲۵۵۵۹ نفر افزایش یافت .

(۵۰) " Censur etc. ", P. 36

(۵۱) Rogers, James (1822-1890) - اقتصاددان لیبرال انگلیسی و یکی از برجسته ترین

نمایندگان مکتب تاریخ نظام اقتصاد در انگلستان . وی تئوری پرداز حزب آزادی تجارت و ادا ر ه

کنند هی سواست اقتصادی حزب مزبور بود .

(۵۱) Rogers: "A History of Agriculture etc.", P. 693

"The peasant has again become a serf", ebd. P. 10

آقای راجرس واپسته به مکتب لیبرال و دوست شخصی کوپدن و برایت است بنابراین بهیچوجه ستایشگر آرزمنه ی گذشته (*laudator temporis acti*) نیست .

زندگی hind (نامی که در دوران سرواز به کارگر کشاورزی داده بودند) تا آنجا که ممکن است بنابر پائینترین مبلغی که وی میتواند با آن زندگی کند تعیین میشود. . . . دستمزد و مسکن وی از روی بهرهای که در نظر است از او بکشند برآورد نمیشود. وی در محاسبات فارمدار صفر است (۱۵۲) و مسائل همیشه او همواره مانند مقدار ثابتی تلقی میگردد (۱۵۳). "چنانچه در درآمد وی با زحم تقطیلی حاصل شود، میتواند بگوید: nihil habeo, nihil curo (هیچ چیز ندارم، غم چیزی هم نمیخورم). او برای آینده ی خود هیچ باکی ندارد زیرا چیزی آنچه برای زندگی مطلقا لازم و غیر قابل اجتناب است هیچ چیز دیگری در اختیار ندارد. وی به نقطه ی انجمادی رسیده است که همه محاسبات فارمداران آن نقطه تویخ میشود. هر چه میخواهد بشود، او نه در شادی و نه در غمی شریک است (۱۵۴). در سال ۱۸۶۳ یک بررسی رسمی درباره ی وضع غذا و کار چنانچه کارگرانی که محکوم به نفی بلد یا اعمال شاقه شده بودند بعمل آمد. نتایج این تحقیق در دو کتاب آبی جلد بزرگ ثبت گردید. در آنجا از جمله چنین گفته شده است: "یک مقایسه ی دقیق میان غذای عادی مجرمین در زندانهای انگلستان و غذائی که به مستندان در کارستانها داده میشود و آنچه کارگر آزاد کشاورزی در همین کشور با آن تغذیه میکند، بنحو غیر قابل انکار نشان میدهد که غذای زندانیان هر کدام از دو گروه اخیر برتری دارد" (۱۵۵). در حالیکه "حجم کاری که از یک محکوم به اعمال شاقه خواسته میشود، تقریبا نصف آن کاریست که یک کارگر کشاورزی عادی انجام میدهد" (۱۵۶). اکنون برخی اظهارات شهید را که خلاصت نماست ذکر میکنم: شهادت جان اسموث مدبر زندان ادیپورگ استماع میشود. شماره ی ۵۰۵۶: "غذای زندانیان انگلستان به مراتب بهتر از غذای عادی کارگران کشاورزی است." شماره ی ۵۰۷۵: "این واقعه ایست که کارگران عادی کشاورزی اسکاتلند خیلی بندرت گوشتی بدست میآورند." شماره ی ۳۰۴۷: "آیا دلیلی بنظر شما میرسد وقتی بر ضرورت اینکه مجرمین خیلی بهتر از کارگران کشاورزی غذا در اختیار داشته باشند؟ - مطلقا نه." شماره ی ۳۰۴۸: "آیا بنظر شما مقتضی نیست کسیه تجربیات دیگری بعمل آورده تا رژیم غذایی زندانیان محکوم به اعمال شاقه را بر رژیم غذایی کارگر آزاد کشاورزی نزدیک سازند؟" (۱۵۷). در آنجا چنین آمده است: "کارگر کشاورزی میتواند بگوید: من سخت کار میکنم و برای خوردن غذای کافی ندارم. هنگامیکه من در زندان بودم با این اندازه سخت کار نمیکردم و غذای فراوان داشتم و لذا برای من در زندان بودن بهتر از آزاد نهستن است" (۱۵۸).

"Public Health: Seventh Report", London 1865, P. 242 (۷۲)

"The cost of the hind is fixed at the lowest possible amount on which he can live ... the supplies of wages and shelter are not calculated on the profit to be derived from him. He is a zero in farming calculations".

بنابراین به هر چه شکست انگیز نیست که موجد تالیف مید که کارگر کمی بیشتر در میآورد بر کراپه خانسه بهافزاید و یا فارمدار مزد کارگر را پائین آورد "بدلیل آنکه زنی کاری پیدا کرده است." (همانجا)

(۷۳) همانجا صفحه ی ۱۳۵

(۷۴) همانجا صفحه ی ۱۳۴

"Report of the Commissioners ... relating to Transportation (۷۵) and Penal Servitude", London 1863, P. 42,50

"Memorandum by the Lord Chief Justice" (۷۶) همانجا صفحه ی ۷۷

(۷۸) همانجا جلد اول ضمیمه ی ۲۸۰

(۷۷) همانجا جلد دوم "Evidence"

جدول مقایسه ای ذیل از روی جدولهای وابسته به جلد اول گزارش ترتیب داده شده است:

مواد غذایی هفتگی (۱۵۸)

مواد ازت دار	مواد بی ازت	مواد معدنی	جمع
۲۸۹۵ اونس	۱۵۰۰۶ اونس	۴۱۸ اونس	۱۱۸۳۶۹ اونس
۲۹۶۳	۱۵۲۹۱	۴۵۲	۱۸۷۰۶
۲۵۵۵	۱۱۴۴۹	۳۹۴	۱۴۳۹۸
۲۴۵۳	۱۶۲۰۶	۴۲۳	۱۹۰۸۲
۲۱۲۴	۱۰۰۸۳	۳۱۲	۱۲۵۱۹
۱۷۷۳	۲۱۸۰۶	۳۲۹	۱۳۹۰۸

نتیجه گیری عمومی کمیسیون تحقیق پزشکی سال ۱۸۶۳ درباره ی وضع غذایی طبقاتی از مردم که بد تغذیه میکنند سابقا با مستحضار خواننده رسیده است. خواننده بخاطر د ارد که رژیم غذایی قسمت اعظم خانواده های کارگران کشاورزی پائینتر از حد اقلی که " برای جلوگیری از بیماریهای ناشی از گرسنگی " لازمست فرار د ارد. این وضع از جمله در مورد کلیه ی بخشهای کورن وال، دون، سامرست، ولتس، استافورد، اکسفورد، برکس و هرتس (۱۵۹) که نواحی کشاورزی محلی هستند، صادق است. دکتر سایمون میگوید: " غذایی که بخورد کارگر کشاورز میرسد پیش از آنست که حد متوسط نشان میدهد زیرا نسبت به سایر اعضا خانواده قسمت بسیار بزرگی از مواد خوراکی، که برای کارکردن ضرور است، مورد مصرف شخصی اوست. در بخشهای فقیرتر تقریبا تمام گوشت و چربی را خود او مصرف میکند. مقدار مواد غذایی که به زن میرسد و همچنین آن مقدار که اطفال در دوران نموس همشان صرف میکنند در موارد بسیار و تقریبا در عموم کنت نشین ها کمبود دارد، بهرچه از لحاظ موارد ازتبی" (۱۵۹). مردان و زنان پاکار که در خانه ی خود فارم ارسکونت دارند عالی تغذیه میکنند. تعداد آنها که در سال ۱۸۵۱ به ۲۸۸۲۷۷ نفر میرسد در سال ۱۸۶۱ تا ۲۰۴۹۶۲ نفر تقلیل یافت. دکتر اسمیت میگوید: " کارزنان در صحرای آزاد، هر قدر دارای مضار دیگری باشد، در شرایط کنونی برای خانواده حتم بزرگی دارد، زیرا کارمزور مسائل تهیه ی کفش و لباس و پرداخت کرایه خانه را برای خانواده فراهم میسازد و امکان تغذیه ی بهتری را برای آن بوجود میآورد" (۱۶۰)

یکی از جاهتین نتایجی که این تحقیق آشکار ساخت این بود که در ایالت انگلوس تغذیه ی کارگر کشاورزی بمراتب بدتر از سایر قسمت های کشور متحد پادشاهی است " is considerably the worst fed " این امر را جدول ذیل نشان میدهد:

(۱۵۸) همانجا صفحات ۲۷۴ و ۲۷۵

, Oxford , Stafford , Wilts , Somerset , Devon , Cornwall (a)
Herts, Berks

" Public Health. Sixth Report, 1863 " P. 238, 249, 261, 262 (۱۵۹)

(۱۶۰) همانجا صفحه ی ۲۱۲

مصرف هفتگی کربن و ازت هر کنفر کارگر کشاورزی
بطور متوسط (۱۱۱)

	ازت	کربن	
انگلیس	۱۵۹۴	۴۰۶۷۳	کران
گال	۲۰۳۱	۴۸۳۵۴	"
اسکاتلند	۲۳۴۸	۴۸۹۸۰	"
ایرلند	۲۴۳۴	۴۳۳۶۶	"

(۱۱۱) همانجا صفحه ۱۷ - کشاورزی انگلیسی فقط ^۱/_{۱۰} کشاورزی ایرلندی و برابرها ^۱/_{۱۰} اوتان بدست میآورد. پیش از آن، در آغاز قرن حاضر، آرتور بانک در اثرش تحت عنوان "Tour in Ireland" وضع غذائی بهتر کشاورزی ایرلندی را متذکر شده بود. علت آن بطور ساده اینست فارمد ایرلندی بسیار انسانی تر از فارمد انگلیسی است. آنچه در متن راجع به ایالت گال گفته شده است در مورد جنوب غربی آن ایالت صادق نیست. همه ی پزشکان این منطقه متفقند که شدت افزایش در صد مرگ و میر حاصل از سل، خنازیر و غیره باید ترشدن وضع جسمانی مردم ارتباط دارد و جمعی بر آنند که این امر معلول فقر و بی چیزی است. مزد روزانه ی کارگر کشاورزی را در آن ناحیه به ۵ پنی تخمین میزنند و در بسیاری از بخشها فارمدار (که خود فقیر است) حتی کمتر از این مهورد از دست میدهد. کمی گوشت نمک سود، که پختنی چوب آگار و خشک شده و ارزش پروسه ی دشوار گوارش را ندارد، با قدری پهنه خوک چاشنی مقدار زیادی آغوش میشود که از آرد و تره و با از جو صحرائی ترکیب شده است. این ناهار است که پشت سر هم همه روز کارگر کشاورزی صرف میکند. نتیجه ای که از پیشرفت صنعت برای وی حاصل شده اینست که در این آب و هوای سخت و مرطوب پارچه های پنبه ای جای پارچه های محکم خانه بافت را گرفتند و نوشابه های قوی بوسیله ی چیزی که "اسما" جای بشمار میآید بهیرون رانده شده است. پس از آنکه کشاورز ساعات متعددی در معرض باد و باران قرار گرفت به کلبه ی روستائی خود بر میگردد تا نزد یک آتشی از ذغال یا کلوله هائی که از خاک و غبار ذغال ترکیب یافته اند و ابرهائی از اسید کربن و اسید گوگرد بر میانگرفتند، دمی بیارامد. دیوارهای کلبه ی وی از گل و سنگ ساخته شده و کف آن همان خلکی است که قبل از ساختمان کلبه نیز وجود داشت، با م کلبه توده ای از گاه شل و بهم برآمده است. هر سوراخ و شکافی برای حفظ حرارت گرفته شده است و در چنین هوای آگرنی برتعمین، پای در گل و اغلب با یگانه لباسی که بتن او خشک میشود، نان شب را بازن و فسرزند صرف میکنند. قابله هائی که مجبور بوده اند پاسی از شب را در این قهیل کلبه ها بگذرانند نفسی کرده اند که چگونه پاهای آنان در لجن کف اطاق فرسودگی و چگونه مجبور بوده اند دیوار را سورا کنند. کار که آسان بود؛ - تا برای خود راه نفس بزرگ ای بوجود آورند. عده ی بسیاری شهید متعلق به درجات مختلفه ی جامعه شهادت میدهند که در همان کم نوا (underfed) هر شب در معرض نا^۱ شهر این با آن حادثه ی غیر صحنی است. برای آنکه در نتیجه، مردمی ناتوان و خنازیری بوجود آیند هیچ دلیل و حجتی کم نیست. ۰۰۰ اطلاعاتی که کارمند ان بخش هائی کارمارتن شایر Caernarvonshire و کاردینگان شایر Cardiganshire در اختیار

بقیه در زیر نویس صفحه بعد

دکترمایمون در گزارش رسمی بهد اشتهی خود میگوید : « هر صفحه ای از گزارش دکترها نتسسر شهادتی است در باره ی کمیت غیر کافی مساکن کارگران کشاورزی ما و کیفیت فلاکت باران . و سالهاست که وضع کارگران مزبور از این حیث به مراتب بدتر شده است . اکنون برای کارگر کشاورزی یافتن کاشانه ای در شوارتر شده است و اگر هم پیدا شود شاید برای رفع نیازمند نهیهای وی کمتر از قرنهای پیش متناسب باشد . بجزه طی ۳۰ یا ۲۰ سال اخیر این بلیه رشد سریعی یافت است و اکنون شرایط مسکن روستائی در فلاکت پارتین درجه است . جز در مورد یک متولین ، یعنی آنها که از کار وی شروتمند شده اند ، طهید شمرند باوی رفتاری باگذشت و ترجم آمیز داشته باشند ، خود او هیچگونه چاره ای در این امر نیدارد . مسئله ی اینکه آیا وی در روی زمین که خود با بر میزند محلی برای سکونت خواهد یافت یا نه ، آیا این محل شایسته ی نشیمن انسانست یا خوکان ، آیا خانه ی مزبور دارای باغچه ی کوچکی ، که اینقدر تحمل بار فقر و پهنوائی را آسان میکند ، هست یا نه ، همه ی اینها پهنوائی و آمادگی وی برای پرداخت اجاره بهای متناسب به هیچوجه بستگی ندارد ، بلکه منوط بآنست که دیگران حق و اختیاری را که در صرف دارائی خود بدخواه دارند چگونه مورد استفاده قرار میدهند . وسعت دامنه ی ملک هر قدر باشد هیچ قانونی نیست که مجبور سازد در آن تعداد معینی خانه ی مسکونی ، و بطریق اولی تعدادی محل سکونت شایسته ، وجود داشته باشد . و نیز قانون برای کارگر در زمین ، که روی آن کاروی مانند باران

بگه ی زهنویس صفحه ی قبل

گذارد ، اند پنحو بارزی همین اوضاع و احوال را نشان میدهند . درد با زهم بزرگتری بر این احسوال اضافه میشود و آن شیوع بلاءت و کودنی است . علاوه بر این شرایط اقلیمی نیز هست . سالی ۸ تا ۹ ماه از کار پادهای سخت جنوب غربی سرتاسر این سرزمین را میرو بند و درد نهال آن بارانهای سیل آسا میبارند که بطور صده شب های تپه های غربی را فرا میگیرند . دار و درخت جز در جاهای محفوظ ناد راست و در جاهای غیر محفوظ باد چنان درختها را تکان میدهد که از شکل و صورت میافتند . کلبه ها در پس کوهی پنهانند و با اقلب در درون دره ها و معادن سنگ قرار دارند . تنها کوسلند ان پست قد محلی و حیوانات شاخدار بومی میتوانند در چراگاهها زیست نمایند جوانان به بخش های معدنی خاوری یعنی به گلامورگان Glamorgan و ماسون ماوث Monmouth مهاجرت میکنند کارمارتن شایر میتواند تعداد خود را حفظ کند . مثلا وضع جمعیت در کاردرینگان شایر بشرح زیر است :

۱۸۶۱	۱۸۵۱	
۴۴۴۴۶	۴۵۱۵۵	ذکر
۵۲۹۵۵	۵۲۴۵۹	اناث
۹۷۴۰۱	۹۷۶۱۴	

(Dr. Hunter's Report in " Public Health. Seventh Rep. 1864 ", London 1865, P. 498 - 502 passim)

و آفتاب ضروری است ، کوچکترین حتی نمیشناسد امر همین دیگری باز کفه ی ترازو را طبعی سنگینتر میکند و آن تا ۱۰۰۰ نفر قانون بنویسند و مقررات آن درباره ی محل اقامت فقرا و تحویل آن به عوارضی است که از بابت فقرا از او گرفته میشود (۱۳۲) . تحت تا ۱۰۰۰ نفر مقررات این قانون هر بخش از لحاظ پولی طلاقه مند است که ده ی کارگران کشاورزی ساکن حوزی خویش را بعد اقل محدود سازد ، زیرا باید بختاً کارزمین بجای آنکه برای کارگر سخت کوشا و خانواده اش استقلال مسلم و مستمر تا همین نماید غالباً و سرا از راه کما بیش درازی بسمت مستندی میراند ، مستندی ای که در تمام طول راه بقدری نزدیک است که هر بطاری یا هر کمبود اشتغال بلافاصله مراجعه به بخش را ایجاد میکند . بنابراین سکونت هر جمعیت کشاورز در قلمرو بخش آشکارا میزان عوارضی را که آن بخش بابت فقرای حوزی خویش میدهد از دست میدهد میکند ملاکان بزرگ (۱۳۳) فقط با اتخاذ این تصمیم که در دیون ملك آنان نباید هیچگونه خانه ی کارگری بنا شود فوراً نمی از مسئولیت خویش راد رمود اطمنه ی فقرا از گردن وامیکنند . اینکه قانون اساسی انگلستان و مقررات قانون تاجه حد این نوع مالکیت بلاشرط راد رمد نظرد اعته اند که بکنفسر زمیند ارا را مختار میسازد " در ملك خود هر چه دلش میخواهد انجام دهد " ، و بتواند با آن کسی که زمین را آباد میکند مانند يك بیگانه رفتار نمود . او را از خاک خویش براند ، مسئله ایست که بحث در باره ی آن از حد و گزارش من خارج است این اختیار خلع بد بهیچوجه جنبه ی انتزاعی ندارد و صلاح بقیاس وسیعی مورد استفاده قرار میگیرد . این خود یکی از عواملی است که پرفرابط سکنای کارگر کشاورز مسلط است دامنه ی این عیب را میتوان از روی سرشماری اخیر دریافت . سرشماری مزبور نشان میدهد که طی ده سال اخیر ، با وجود بالا رفتن تقاضای روز افزون مسکن ، ویران ساختن خانه های مسکونی در ۸۲۱ بخش مختلف انگلستان بحدی افزایش یافته است که اگر سال ۱۸۶۱ را با سال ۱۸۵۱ مقایسه کنیم دیده میشود که جمعیتی بیش از ۵۰٪ در مساحتی کوچکتر از ۱٪ متراکم گردیده اند ، و این صرفنظر از کسانی است که (حتی در بخشهایی که کار میکنند) مجبور به ترك اقامت شده اند دکتورها ترم میگویند ، بعضی اینکه پیروسی جمعیت گاهی به هدف خود رسیده توجه ای که بدست میآید ده خوش نماست (show-village) یعنی دهی که در آن کلبه های روستایی بتعداد کمی محدود شده اند و در آن کلبه ها هیچکس جق سکونت ندارد مگر گوسفند چرانان باهانان و قربانان و خادمان دائمی یعنی گروهی که معمولاً از الطاف و خوشرفتاری ارباب برخوردارند (۱۳۴)

(۱۳۴) در سال ۱۸۶۵ قانون کمی بهبود یافته است . تجربه ی بزودی خواهد آموخت که اینگونه وصله پینه ها در دی راد وانمیکنند .

(۱۳۵) برای اینکه در نهاله ی این مطالب بهتر معلوم شود متذکر میگردم که : نام دهات بسته بان دهاتی اطلاق میشود که يك یاد و ارباب کلان مالك آن هستند ، و دهات باز (Open Villages) بانهایی گفته میشود که زمینشان به خرد مالکین بسیاری تعلق دارد . در این دهات اخیر است که در لالان ساختمانی میتوانند بساختن کلبه های روستایی و خانه های مسکونی دست زنند .

(۱۳۶) يك چنین ده خوش نما ظاهری بسیار آرامته در آنجا مانند همان دهاتی که کاترین دوم هنگام مسافرت خود بکنیه دیده بود غیرواقعی است . در دوران اخیر حتی جوانان نیز غالباً از این دهات خوش نمانند . میشوند . مثلاً در نزد یکی مارکت هاربرو Market Harborough اقل گوسفندی است که تقریباً ۵۰۰۰ اگر مساحت دارد فقط یکبار یک مرد احتیاج چادر برای کم کردن آمد و رفت زها در روی این چمنهای وسیع و زیبای لایسستر Leicester و نورثامپتون Northampton بچوپان کلبه ای در داخل بناهای مباشرت روستایی داده بودند . اکنون يك شیلینگ بر ۱۱ شیلینگ مزد او بعنوان محل سکونت اضافه میکنند و بی باید خیلی در درد بازی برای خود جایش وجود .

ولی زمین احتیاج به کشت و کار دارد و لذا ایدیه میشود که کارگران کشاورز ساکنین ملک صاحب زمین نیستند بلکه از یکی از دهات باز، که شاید سه میل با محل کار فاصله دارد، آمده اند. اینها کسانی هستند، که پس از ویران شدن کلبه هاشان در دهات پسته، بوسیله ی تعداد بسیاری از خرد و مالکین پذیرفته شده اند. از نقاطی که جریان بطرف چنین نتیجه ای میرود غالباً ظاهر فلاکت بار کلبه های روستائی خود از سر نوشتی که بدین محکومند حکایت میکنند. درجات مختلفی از ویرانی طبیعی را میتوان در پیشانی این کلبه ها خواند. تا هنگامی که این پناهگاه سر پا ایستاده است کارگر مجاز است که از آن بابت کرایه بهره بردارد و غالباً وی از این امکان، حتی اگر قیمتی که از او مطالبه میکنند برابر با اجاره بهای خانه ی خوبی باشد، بسیار خرسند است. ولی هیچگونه تعمیر یا اصلاحی نمیشود مگر آنچه که مستاجرین چیز خود میتواند انجام دهد. وقتی که پس از مدتی با آخرین بنا غیر قابل سکونت میگردد تازه چیزی جز این نیست که کلبه ی روستائی ویرانی بر کلبه های ویران دیگر افزوده میشود و بدینسان در آینده مالیات مربوط به اعانه ی فقرا کمتر خواهد بود.

در حالیکه زمینداران بزرگ بوسیله ی کاهش جمعیت زمینها و املاک تحت اختیار خویش مالیات فقرا را از گردن خود وامیکنند، نزدیکترین شهرهای کوچک یا قرا باز، کارگران بیرون رفته را میپذیرند. وقتی میگویم نزدیکترین شهرها و قرا باز باید توجه داشت که این "نزدیکترین" تقریباً ۲ تا ۴ میل با فاصله ای یعنی جایی که کارگر هر روز باید در آنجا بکار بپردازد فاصله دارد. بدینسان ضرورت یک راه پهن ۶ تا ۸ میلی را برای درآوردن نان روزانه آنچنان بکار روزانه اش ضمیمه میکنند که گوئی اصلاً امر قابل اهمیتی نیست. هر کار کشاورزی نیز که بوسیله ی زن و یا اطفال کارگر انجام میشود تحت همین شرایط شده قرار دارد. ولی گرفتار بهائی که از دوری محل کار ناشی میشود منحصر باین نیست. در قرا باز، معامله گران قطعه زمینهای را میخرند و تا آنجا که مقدور است زانچه های ارزان قیمت و تنگ در هضم فشرده ای میسازند. و در این قهیل مسکن براد پار، که حتی اگر بصحرای باز نیز مشرف باشند دارای وحشتناکترین خواص بدترین منازل شهری هستند، کارگران کشاورزی انگلستان لانه میکنند (۱۳۵) . . . ولی از سوی دیگر نباید چنین انگاشت که گویا کارگری که در ملک مورد کشت و کار خویش ساکن است خانهای

(۱۳۵) "خانه های کارگران (در قرا باز که طبیعتاً همواره بیش از اندازه پراست) معمولاً ردیف هم ساخته میشوند، بطوریکه عقب خانه های مزبور در منتهای قطعه ی زمینی قرار میگیرد که دلال آنرا ملک خود میخواند. بنابراین هیچ راهی برای نفوذ روشنایی و هوا جز از طرف مقابل نیست." (گزارش دکتر هانتورد همان سند صفحه ۱۲۵) . . . براساس اتفاق میافتد که آنچه فروش یا عطارده، خود موجرابین خانه هاست. در اینگونه موارد کارگر کشاورزی در جنب فارمد ار اریاب دیگری هم پیدا میکند. وی بابت در زمین حال مشتری موجرنیز باشد. با ۱۰ شیلینگ در هفته، منهای اجاره بهائی معادل ۴ لیره ی استرلینگ در سال، وی موظف است مقدارنا چیزهای، قند، آرد، صابون، شمع و آنچه مورد مصرف خویش را بقیمت دلخواه دکاند از مزبور از وی خریداری نماید" (همانجا صفحه ی ۱۲۴) . . . در واقع این قرا باز "کوهراگانه های" پرولتاریای کشاورزی انگلستانند. بسیاری از این خانه های روستائی مسافرخانه های هستند که همه جور لودهایان و لگرد اطراف در آن آمد و رفت دارند. مرد روستائی و خانواده اش که استحکام و پاکی اخلاقی خود را غالباً بنحو واقعاً شکست انگیزی در ناتمسز ترین شرایط حفظ کرده بود، در این اوضاع و احوال دیگر به تباهی کشانده میشوند. البته بعضی شیلرکها (۵) ی عالیجناب این خود مگری است که هر گساره از دلان مباحثمانی، مالکین کوچک و قرا باز سخن میرود شانه هارا فرسی منشانه پالا میباند ازند. آنان بخواهی میدانند که "دهات بقیه در زیر نویس صفحه ی بعد

شایسته ی زندگی فعال و بارآور خود بدست میآورد. حتی در املاک شاهزادگان کلبه ی روستائی وی غالباً از فلاکت بارتترین انواع است. لرد های زمینداری هستند که طویل ای را برای زندگی کارگران خویش و خانواده های آنها کافی میهند و با وجود این ابائی ندارند که تا سرحد مقدار از این اجاره ی خویش بیل نقد بچنگ آورند (۱۳۱). هر چند مسکن وی کلبه ای ویران بایک اطاق خواب، بی اجاق و مستراح و بی پنجره باشد و مجرای آبی جز چاه در آن نباشد و باغچه ای هم نداشته باشد، کارگر هیچ چاره ای در برابر اینهمه بیعدالتی ندارد. و قوانین مربوط به مراقبت بهداشتی ما (The Nuisances Removal Acts) نیز در این موارد مسلوب الاثرند. اجرا این قوانین درست بعهده ی همان مالکینی گذاشته شده است که خود چنین بملوله هائی را با اجاره میدهند. . . . نباید برق برخی موارد استثنائی چنان چشمان ما را خیره کند که این واقعهات عام و متفوق را که لکه ی ننگی برد امن تمدن انگلستان است، مشاهده نکنیم. اوضاع باید واقعا بسیار وحشتناک باشد زیرا با وجود اقتضای وضع موجود مسکن، ناظرین صلاحیتدار متفقا باین نتیجه رسیده اند که حتی ناآبروندی عمومی مسکن عمومی است که اهمیت آن بمراتب کوچکتر از کمبود عددی آنهاست. سالیان دراز است که در هم فشردگی جمعیت مسکن کارگران کشاورزی نه تنها برای کسانی که با مسائل بهداشتی سروکار دارند بلکه برای عموم آنها نیکه بزندگی آبروند و اخلاقی طلاقه مندند موضوع رنج و اندوه عمومی است. بهمین سبب است که گزارش دهندگان مأمور بررسی اشاعه ی بیماریهای واگیردار در نواحی روستائی، مکرر در مکرر و پاهمان همانندی که بنظر قالی جلوه میکند، در هم فشردگی جمعیت خانه هارا بمثابه علتی شمرده اند که هرگونه کوششی را برای جلوگیری از پیشرفت بیماری واگیرداری که در رسیده است عقیم میسازد. و بازارها به ثبوت رسیده است که طی رغم تا ثرات بسیار مثبت زندگی روستائی در سلامت مردم روستا، همین انبوهی جمعیت که اینقدر اشاعه ی بیماریهای واگیردار را تسریع میکند در همین حال تا چه حد در بروز بیماریهای

بقیه ی زیر نویس صفحه ی قبل:

بسته و قرا نمونه وار آنها منشأ بهداشتی "قرا باز" است و بدون چنین قرائی زندگی برای آنان ممکن نیست. بدون مالکین کوچک قرا باز، قسمت اعظم کارگران کشاورزی مجبور بودند که زیر درختان ملکی که در آن بکار مشغولند بیتوته نمایند (همانجا صفحه ی ۱۳۵). سیستم قرا باز و بسته در سرتاسر میدلند (کنت نشین های مرکزی انگلستان) و در تمام قسمت شرقی انگلستان رواج دارد.

(*) Shylock چهره ی رباخوار سنگدلی است که در درام معروف شکسپهر "بازرگان ونیزی" نمودار شده است.

(۱۳۱) "موجر (ام از فارمد ار با مالک زمین) بطور مستقیم یا غیر مستقیم از کارمندی متحمل میشوند که هفته ای ۱۰ شیلینگ بوی میپردازند و سپس از همین مرد بیچاره سالانه ۴ یا ۵ لیره ی استرلینگ بعنوان اجاره بسای خانه هائی پس میگیرند که در بازار آزاد ۲۰ لیره ی استرلینگ هم ارزش ندارد. ولی قیمت مصنوعی آنان فقط بزرگ مالک زمین تحویل میشود که میگوید: یا خانمی مرا بپذیر و بیا اثاثت را جمع کن و برو. بد و نیتصدیقی کار از جانب من مسکنی برای خود جایی بگیرد اکن . . . اگر احوالی یکی از آنها بخواهد برای بهبود وضع خود در بیل گذاری راه آهن یا در معدن سنگی بکار مشغول شود همان قدرت مالک حاضر است بوی میگوید: یا برای من یا همین مزد نازل کارکن و یا در عرض یک هفته اسبابت را جمع کن و برو. اگر خوبی داری یا خود بردار و نظری هم به سبب زمینهای بیفکند که در باغچه ات در حال روئیدن است ولی چنانچه وی نفع خود را در جای دیگری آنست آنگاه چه بسا مالک (یا فارمدار) بر میزان اجاره بسا بعنوان نمرد از خدمت خود میآفریند."

(Dr. Hunter: Public Health. Seventh Report, 1864, P. 132.)

مصری نیز موثر است و کسانیکه این اوضاع و احوال را افشا نمودند در باره ی فساد بزرگترین مسکو نکرده اند. آنان حتی آنجائیکه موضوع اصلی تحقیق فقط مربوط به مسائل بهداشتی بود تقریباً مجبور بود که طرف دیگر مسئله را مورد توجه قرار دهند. در حالیکه آنها این امر را هیچ را متذکر میشوند که چگونه افرادی از هردو جنس، متأهل یا مجرد، غالباً در یک اتاق خوابی تنگ در هم مبل و لند (huddled)، ناگزیر از آن گزارش این یقین حاصل میشود که در شرایط یاد شده احساسات شرم و خفت بخشش ترین وجهی زیر پا گذاشته میشوند و بالضروره تقریباً هرگونه پاکی اخلاقی بفساد میگراید (۱۷). مثلاً در پیوست آخرین گزارش من، دکتر اورد (Ord) راجع به آغاز شیوع تب در وینگ (Wing) از توابع باکینگهام شایر (Buckinghamshire) گزارش میدهد چگونه جوانی از اهمل (Wingrave) باتن تب دار به آنجا آمده بود. وی در نخستین روزهای بیماری خود بانسه نفر دیگر با هم در یک اتاق میخوابید. در عرض دو هفته اشخاص مختلفی مبتلا شدند و طی چند هفته پنج نفر از نه نفر منور تب دار گردید و یکی از آنها فوت نمود. در همین موقع دکتر هاروی (Dr. Harvey) پزشک بیمارستان سن ژوز، که در زمان شیوع بیماری به نامسبت معالجات خصوصی خود به وینگ رفته بود، در همین زمینه بمن چنین گزارش داد: «زن جوانی که مبتلا به تب بود شب در یک اتاق با پدر و مادری و طفل نامشروع خود بیاد مرد جوانی که برادرانش بودند و خواهرش که هر یک فرزند نامشروع داشتند، یعنی مجموعاً بیاد ه نفر، یکجا میخوابید. چند هفته قبل از آن ۱۳ طفل در همین محل میخوابیدند» (۱۸). دکتر هانتز ۵۲۷۵ کلبه ی کارگران روستائی رانه تنهاد مناطق زراعی بلکه در تمام کنت نشونهای انگلستان، مورد بازدید قرار داد. از میان این ۵۲۷۵ کلبه ۲۱۹۵ تا فقط یک اتاق خواب داشتند (که اغلب اتاق نشیمن نیز بود)، ۲۹۳۰ کلبه فقط صاحب دو اتاق خواب و ۲۵۰ کلبه دارای بیشتر از آن بودند. اینک میخوامم گلچین مختصری از میان ۱۲ کنت نشین در اینجایبیاورم.

۱- بدفورد شایر Bedfordshire

روست لینگ ورث Wrestlingworth : اتاق خواب تقریباً بطول ۱۲ و عرض ۱۰ پا، با اینکه بسیاری از اینهم کوچکترند. کلبه ی کوچک یک طبقه ای غالباً بوسیله ی دیواری تخته ای به دو اتاق

(۱۷) زنان و شوهرانی که تازه ازدواج کرده اند بهیچوجه نمیتوانند برای برادران و خواهران بالقی که در همان اتاق با آنان سرمیکنند نمونهی تربیت کنند، ای باشند. و با اینکه قانوناً حق ندارد حوادث مربوط بزنانی با محارم راثیت کند، فاکتهای کافی برای اثبات این نکته وجود دارد حاکی از آنکه مشقات عظیم و در اکثر موارد مرگ سرنوشت زنانی است که در زنانی محارم شرکت داشته اند (دکتر ها نتر. همانجا صفحه ی ۱۲۷). یکی از مامورین پلیس روستائی که سالها در راز بعنوان کارآگاه خفیه در بدترین محلات لندن کار میکرد، در باره ی دختران ده خود چنین میگوید: «درجهی بی همتی فاحش این دختران را که از سن پائین آغاز میشود، بی حیائی و بی تربیتی آنانرا من هیچگاه طی زندگی خود در بدترین محلات لندن ندیده ام... آنان مانند خوکان زندگی میکنند. جوانان بزرگ و دختران، مادران و پدران همه یکجا با هم در یک اتاق میخوابند» (" Child. Empl. Comm., Sixth Report.", London 1867, Appendix

P. 77, N. 155

" Public Health. Seventh Report, 1864 ", P. 9-14,

(۱۸)

passim.

خواب تقسیم شده است. اکثراً در آشیخانه ای که پنج قدم و شش انگشت ارتفاع آنست تخت خوابی زده اند. اجاره بها ۳ لیره ی استرلینگ است. مستاجرین باید مستراح خویش را خود بسازند، مالک خانه فقط سوراخی در اختیار آنها میگذارد. اغلب اتفاق میافتد که تا یکی از مستاجرین مستراحی میسازد تمام همسایه ها از آن استفاده میکنند. یکی از خانه ها بنام چهارد سون زیبائی نایابی داشت. دیوارها ساروجی آن مانند لباس بانوان بهنگام تعظیم باد کرده بود. یکی از اضلاع سقف مثلثی شکل، محدب بود و ضلع دیگر مقعر (۴) و شوره ختانه بر روی این ضلع اخیر همچون خرطوم فیل بخاری ای قرار داشت که عبارت از لوله ی کج و معوجی از گل رس و چوب بود. چوب در آزی بمثله ی شمع مورد استفاده قرار گرفته بود تا از سقوط بخاری جلوگیری کند. درها و پنجره ها لوزی شکل بودند. از ۱۷ خانه ی باز دیده شده فقط چهارتای آن بیش از يك اطاق خواب داشتند و این چهارخانه نیز لیره ی آزاد بود. در کلبه های يك خوابگاهی ۳ جوان بالغ با سه کودک، يك زن و شوهرها ۱ بچه و غیره زندگی میکردند.

دنتون Dunton - اجاره بها ی گران، از ۴ تا ۵ لیره، مزد هفتگی مردان ۱۰ شیلینگ است. اینها امیدوارند که از راه حصیریائی خانوادگی خود بتوانند اجاره بسیار اجبران نمایند. هر قدر اجاره بها گرانتر باشد عددی آنها شیکه باید دست بهم بدهند تا اجاره خانه را بپردازند بیشتر است. شش نفر آدم بزرگسال و ۴ کودک که در يك اطاق میخواهند از این باهت مبلغ ۳ لیره و ۱۰ شیلینگ میپردازند. در دنتون ارزانترین خانه ها که از بیرون طول آن ۱۵ پا و عرض آن ۱۰ پاست در برابر سه لیره ی استرلینگ کرایه داده میشود. تنها یکی از ۱۴ خانه ی مورد بررسی دارای دو اطاق خواب بود. است. کمی بیش از ورود به ده خانه ای دیده شده است که در اثر اشغال روزی ساکتین، کثافت دیوارهای خارجی آنها را گرفته بود. گند و پوسیدگی انگشت از قسمت پائین در آنها بود ساخته بود و شب هنگام برای بسفین در، این سوراخ را بوسیله ی چند آجر که از داخل به بیرون میرانند و روی آنها با حصیری میپوشانند، مسدود مینمودند. نیمه از پنجره، هم چهار چوب و هم شیشه بکلی ناپدید شده بود. در این خانه ۲ بزرگسال و ۵ کودک بدون هیچگونه اثاثی در هم میلولیدند. دنتون بدترین نقاط دیکر بگلس و بیستون (Biggleswade Union) نیست.

۲- برکشایر Berkshire

بین هام Beenham: در ژوئن ۱۸۶۴ يك مرد، يك زن و چهار کودک در یکی از کلبه های يك طبقه ی روستائی زندگی میکردند. یکی از دختران که در جایی بخند میگماشته شد. بعد با تب مضمك بخانه برگشت. این دختر بزرگ بود. یکی دیگر از کودکان بیمار شد و درگذشت. هنگامیکه دیگرها نترسیدند بالین آنها خوانند و شد مادر و یکی از اطفال به تپلوس مبتلا بودند. پدر و کودک دیگر در خارج خوابیدند ولی تا همین منفرد ساختن مبتلایان باد شواری دیگری رهرو شد، زیرا در بازار رنگ و دست و پاگیر این ده تیره روز، شست و شوی رخت خانوادگی مبتلا به تپلوس بطول میانجامید. — کرایه خانه ی H. در هفته يك شیلینگ بود. تنها يك اطاق خواب برای يك زن و شوهر و ۱ بچه — خانه ی دیگری ۸ پهنس در هفته کرایه دارد، طول آن ۱۴ پا و شش انگشت و پهنای آن ۷ قدم است، آشیخانه ی آن ۱ قدم ارتفاع دارد، اطاق خواب نه پنجره دارد نه بخاری، جز دالان نه در و نه روزن دیگری در آن دیده

(۴) فرهنگستان واژه ی "کاو" را در برابر "مقعر" و واژه ی "گوژ" را در برابر کلمه ی "محدب" وضع نموده است. چون بر مترجم معلوم نیست تا چه حد این اصطلاحات جدید هستند ملاحظه می راکه کلمات تاکنون مستعمل عربی ادامیکردند در ذهن خواننده ی فارسی زبان ایجاد مینمایند استفاده از همان واژه های قدیم را مرجح شمرد.

میشود ، باغچه هم وجود ندارد . در این خانه چند ی پیش مردی باد و دختر و يك پسر بزرگسال خود زندگی میکرد . پدر و پسر در تخت خواب میخوابیدند و دختران در دالان . هر يك از این دختران تساهنگاميكه خانواده يكجامینست دارای كودكى شده بودند و فقط يكی از آنها برای زایمان به کارستان (Workhouse) رفته و سپس مجدداً بخانه برگشته بود .

۳- بکینگهام شایر Buckinghamshire

در این ناحیه ۳۰ کلبه ی روستائی که مجموعاً دارای مساحتی معادل ۱۰۰۰ آکر هستند پناهگاه ۱۳۰ تا ۱۴۰ نفر آدم است . بخش برادنهام Bradenham که دارای ۱۰۰۰ آکر مساحت است ، در سال ۱۸۵۱ دارای ۳۶ خانه بود و جمعیتی مرکب از ۸۴ مرد و ۵۴ زن داشت . این نابرابری از لحاظ جنس در ۱۸۶۱ جبران شد باین معنی که ترکیب ساکنین آن عبارت از ۹۸ نفر مرد و ۸۷ نفر از جنس مؤنث گردید و لذا طی ده سال بتعداد افراد از جنس مذکور ۱۴ نفر و بتعداد اناث ۳۳ نفر افزوده شد . در این خلال از تعداد خانه ها يك واحد کم شده بود .

وین سلو Winslow : قسمت اعظم آن تازه ساز و باسبك خوبی بنا شده است . بنظر میرسد که تقاضای خانه زیاد است ، زیرا کلبه های بسیار محقر هفته ای از يك شیلینگ تا يك شیلینگ و ۳ پنس اجاره داده میشود .

واتر ایتون Water Eaton : در اینجا مالکین از لحاظ اینکه جمعیت افزایش یافته است تقریباً ۲۰٪ خانه های موجود را خراب کرده اند . کارگری فقیر که تقریباً بیست چهار میل مسافت را برای رسیدن به محل کارش طی کند در جواب این سؤال که آیا وی نمیتوانست کلبه ی نزدیکی برای سکونت بپسندد میگوید : نه ، آنها محققاً خود داری میکنند از اینکه مردی چون من با چنین خانواده ی بزرگی را بپذیرند .

تینکرس اند Tinker's End نزد يك وین سلو : يك اطاق خواب ، که در آن چهار بزرگسال و ۴ كودك زندگی میکنند ، دارای ۱۱ پا طول و ۹ پا عرض و ۶ پا و ۵ انگشت ارتفاع ، در مرتفعترین نقطه است . اطاق دیگری بطول ۱۱ پا و ۳ انگشت ، عرض ۹ پا و ارتفاع ۵ پا و ۱۰ انگشت ، منزلگاه ۶ نفر است . هر يك از این خانواده ها فضائی کمتر از آنچه برای محکومین باعمال شاقه در نظر گرفته شده است در اختیار داشته اند . در اینجا هیچ خانه ای که بیش از يك اطاق خواب داشته باشد ، نبود ، هیچيك از آنها در عقبی نداشت و بسیارندرتاً آب در آنها بود . اجاره بهای هفتگی از يك شیلینگ و چهار پنس تا ۲ شیلینگ حساب میشود . از میان ۱۶ خانه ی مورد بازدید تنها يك نفر بود که مزد هفتگیش به ۱۰ شیلینگ میرسید . مقدار هوایی که بهر نفر در مورد مذکور در فوق میرسد باندازه ی هوایی است که وی میتواند است ، اگر فی المثل شب او را در يك قوطی به حجم چهار قدم محبوس میساختند ، استنشاق نماید . بهر حال کلبه های قدیمی وسائل خود روشی برای تهویه دارند .

۴- کمبریج شایر Cambridgeshire

گمبلینگای Gamlingay متعلق به مالکین مختلفی است . این ناحیه دارای بی آبرو ترین کلبه هائی است که ممکن است در جایی یافت . حصار آباد های آن بسیار است . يك وارفتگی مرکب از تسلیم و رضای ناامیدانه ای در میان لجن و کثافت برگمبلینگای حکم فرماست . فراموشی و بخود واگذاری که در مرکز این ده مشهود است ، در منتهاالیه جنوبی و شمالی آن صورت شکنجه بخود میگردد بنحوی که خانه ها ذره ذره میپوسند و از بین میروند . زمینداران غائب خون این قصبه ی شوریده بخت راتارگ و بی میکنند . اجاره بها بسیار زیاد است . هشت تانه نفر در اطاق خوابی در هم چیده اند ، در حدود ۶ شخص

بزرگسال که هرکدام دارای يك پاد و فرزندند در اطاق خواب کوچکی جا گرفته بودند.

۵- اسکس Essex

در بسیاری از بخشهای این کنت نشین کاهش تعداد افراد با کاهش تعداد کاشانه ها همراه است. ولی در ۲۲ بخش، ویرانی خانه ها نه مانع از افزایش جمعیت شده و نه موجب اخراجی گردیده است که در همه جاتحت نام "مهاجرت بشهرها" جریان دارد. در فینگ رینگ هو Fingringhoe یکی از این بخشها، که مساحتی در حدود ۲۴۴۳ آکر دارد، در ۱۸۵۱ تعداد خانه ها ۱۴۵ دستگاه بود، در ۱۸۶۱ این تعداد به ۱۱۰ دستگاه رسید ولی با وجود این مردم نمیخواستند از آنجا بروند و حتی امکان افزایش تعداد خود را نیز یافتند. در رمسدن کرکس Ramsden Crags در سال ۱۸۵۱ دو دست و پنجاه و دو نفر در شصت و یک خانه سکونت داشتند ولی در سال ۱۸۶۱ دو دست و شصت و دو نفر در ۴۹ خانه چیده بودند. در بخش بنیلدن Basildon، در سال ۱۸۵۱، یکصد و پنجاه و هفت نفر در مساحتی بمقدار ۱۸۲۷ آکر در ۳۵ خانه میزیستند، در پایان ده ساله ی بعد ۱۸۰ نفر در ۲۷ خانه زندگی میکردند. در بخشهای فینگرینگ هو، ساوث فرن بریج South Farnbridge، ودفورد، بنیلدن و رمسدن کرکس در سال ۱۸۵۱ در مساحتی بمقدار ۸۴۴۹ آکر ۱۳۹۲ نفر در ۳۱۶ خانه زندگی میکردند ولی در ۱۸۶۱ در همین مساحت ۱۴۷۳ نفر در ۲۴۹ خانه منزل داشتند.

۶- هر فورد شایر Herefordshire

این کنت نشین کوچک بیش از هر ناحیه ی دیگر انگلستان رنج آنچه را که روحیه خلع بد نامیده اند کشیده است. قسمت اعظم کاشانه های ندبی Nadby ملك فارمداران است. این کاشانه ها، که اغلب دارای دواطاق خوابند، آکنده از جمعیت است. فارمداران با وجود آن آرام هر يك از این کاشانه ها را با اجازه بهای سالیانه از ۳ تا ۴ لیره ی استرلینگ یکسانی اجاره میدهند که خود به ایشان بیش از هفتاد و نه شلینگ مزد نمیدهند.

۷- هن تینگ دونشایر Huntingdonshire

در ۱۸۵۱ هارتفورد دارای ۸۷ خانه بود. کمی پس از آن تاریخ ۱۹ کلبه ی روستائی را در این بخش کوچک ۱۷۲۰ آگری خراب کردند. جمعیت این نصابه در ۱۸۳۱ چهارصد و پنجاه و دو نفر بود، در ۱۸۵۲ هشتصد و سی و دو نفر و در ۱۸۶۱ سیصد و چهل و یک نفر جمعیت داشت. چهارصد و یک کاشانه ی با اطاق خواب واحد مورد بازدید قرار گرفت. در یکی از آنها يك زن و شوهر، ۳ پسر بزرگسال، يك دختر بزرگسال، ۴ کودک یعنی مجموعاً ۱۰ نفر زندگی میکردند. در کاشانه ی دیگری سه نفر بزرگسال و ۶ کودک میزیستند. یکی از این اطاقها که ۸ نفر در آن میخواستند دارای ۱۲ پا و ۱۰ انگشت طول، ۱۲ پا و دو انگشت عرض و ۶ پا و ۹ انگشت ارتفاع بود. مقدار هوای متوسط سرانه، بدون کسب برجستگی های اطاق، تقریباً به ۱۳۰ قدم مکعب بالغ میگردد. در ۱۴ اطاق خواب مورد بازدید ۳۴ بزرگسال و ۳۳ کودک زندگی میکردند. در این کاشانه ها بندرت باغچه ای وجود داشت ولی عده ای از ساکنین میتوانند قطعه ی زمین کوچکی، از فرایهرودی (معادل $\frac{1}{4}$ آکر) ۱۰ تا ۱۲ شلینگ اجاره

کنند. این قطعه زمینها فاصله ی زیادی تا خانه ها دارند که فاقد آبریزند. خانواده ناگزیر است برای رفع حاجت یکی از دروازه را انتخاب کند یا قطعه زمین خود برای دفع نجاسات برود و یا، دراز جناب

چنانکه اینجامر سوم است (۳)، کشوی یکی از گنجه هارا بعد فوعات تخصیص دهد و آنگاه که کشوی مزبور پر شد آنرا بیرون آورده در قطعه زمین خود بمشابه کود خالی نماید. در ژاپون گردن شرایط حیاتی بمشابه تمیز ترازمین نواحی انجام میگردد.

۸- لین کولن شایر Lincolnshire

لنگ توفت Langtoft: اینجادرخانه ی رایت Wright مردی بازن خود، مادرزنش و ۵ کودک زندگی میکند. خانه دارای مطبخی در جلو و پستویی در عقب آن برای زباله است و اطاق خواب روی مطبخ قرار دارد. آشپزخانه ی مقدم و اطاق خواب بطول ۱۲ پا و ۲ انگشت و عرض ۹ پا و ۵ انگشت هستند و مجموع بنا ۲۱ پا و ۲ انگشت طول و ۹ پا و ۵ انگشت عرض دارد. اطاق خواب بالاخانه ایست که دیوارهای آن مانند کله قند بسقف میپیوندند و در بالای اطاق روزه ای باز میشود. چرا این مرد در چنین خانه ای ساکن بود؟ بلکه بخاطر باغچه؟ ولی باغچه فوق العاده کوچک است. شاید از جهت کرایه؟ اما اجاره بهاهم زیاد است و باید هفته ای یک شیلینگ و ۳ پنس بپردازد. بلکه از آنجهت که این خانه نزدیک محل کار اوست؟ خیر، خانه شش میل تا محل کار مسافت دارد بطوری که وی روزانه باید برای رفتن و برگشتن ۱۲ میل راه برود. وی در اینخانه سکونت داشت زیرا این کاشانسه در معرض اجاره بود و او میخواست بهر قیمت شده در هر جا که ممکن باشد و بهر صورت کلبه ای تنها از آن خود داشته باشد.

ذیلا آمار ۱۲ خانه ی واقع در لنگ توفت با ۱۲ اطاق خواب، ۳۸ بزرگسال و ۳۶ کودک ذکر میشود.

۱۲ خانه در لنگ توفت

خانہ	طاق خواب	بزرگسالان	کودکان	تعداد افراد
شماره ۱	۱	۳	۵	۸
۲	۱	۴	۳	۷
۳	۱	۴	۴	۸
۴	۱	۵	۴	۹
۵	۱	۲	۲	۴
۶	۱	۵	۳	۸
۷	۱	۳	۳	۶
۸	۱	۳	۲	۵
۹	۱	۲	۰	۲
۱۰	۱	۲	۳	۵
۱۱	۱	۳	۳	۶
۱۲	۱	۲	۴	۶

(۳) خواننده توجه دارد که مصنف سرمایه، چنانکه خود نیز در ابتدا این واقعات تذکر داده است، فقط خلاصه ای از گزارش دکترها را در باره ی نواحی بازید شده میآورد و لذا عبارات مذکور در متن و از جمله آنچه که ما "دراز جناب" ترجمه کرده ایم کلام خود مارکس نیست و ما خود از گزارش دکترها اثر خطاب به اولیا امور انگلستان است.

۹- کنت Kent

کنینگتون Kennington در ۱۸۵۹، هنگامیکه د پتری پیدا شد و بزنگ بخش رسمیا
ما'وروسی در باره ی وضع طبقه ی فقیر مردم گردید، پنحورقت باری آکند، از جمعیت بود. بزنگ مزبور
دریافت که در این ناحیه ی ضرورتا پرکار کلبه های بسیاری را خراب کرده اند و هیچ خانه ی تازه ای بنا
نشد، است. در یکی از نقاط چهارخانه وجود داشت که قفس پرندگان (birdcages) لقب یافته بود.
هر کدام از این خانه ها دارای چهار اطاق با ابعاد ذیل بر حسب پاوانگشت بود:

۶ر۱	x	۸ر۱۱	x	۹ر۵	آشپزخانه
۶ر۲	x	۴ر۶	x	۸ر۶	زیاله دان
۶ر۳	x	۵ر۱۰	x	۸ر۵	اطاق خواب
۶ر۳	x	۸ر۴	x	۸ر۳	اطاق خواب

۱۰- نورتمپتون شایر Northamptonshire

برین ورت Brinworth، پیک فورد Pickford و فلور Floore :
در این دهات بهنگام زمستان بهست تا ۴۰ نفر در نتیجه ی نبودن کار خایبان ذرع میکنند.
فارد اران حق کشت و کار در مورد زمینهای غله خیز و نباتات ریشه دار را چنانکه باید همواره ادا میکنند
و مالک زمین نیز سود مند شمرده است که زمینهای مورد اجاره ی خود را در دو یا سه قسمت پیک کاسه
نماید. از نیروست که کمبود اشتغال بوجود آمده است. در حالیکه از آنسوی خندق فرهاد کارخواهی مزارع
بلند است، از اینسو کارگران محروم نگاههای حسرت باری بزمین میافکنند. شگفت اینست کارگرانی که
طی تابستان کار طاقت فرمائی انجام میدهند و در زمستان نیمه گرمند اند در زبان عامیانه ای که بهسن
خود دارند میگویند "مثل اینکه آخوند و ارباب کمر قتل مار بسته اند" (۱۷۸ a)
در فلور نمونه هائی از وجود زن و شوهرهائی که با چهار، پنج و پانزده اطاق خواب
بسیار تنگی بهتوته میکردند، با سه بزرگسال با پنج کودک و پانزده زن و شوهری که با پدر بزرگ و ۶
کودک مبتلا به مملک یکجا میزیسته اند و غیره ذکر شده است. در دو خانه که هر یک دارای دو اطاق
خواب بوده اند و خانواده مرکب از ۸ و ۹ بزرگسال زندگی میکردند.

۱۱- وولیت شایر Wiltshire

ستراتون Stratton : ۳۱ خانه مورد بازدید قرار گرفته است. هنت تالی آنها فقسط
دارای پیک اطاق خوابند. پنتیل Pentill در همین بخش واقع است. پیک کاشانه ی روستائی به
چهار نفر بزرگسال و ۴ کودک از قرار هفته ای پیک شیلینگ و ۳ پنس اجار داده شده بود که در آن بجز
دیوارها چیز بدرد خور دیگری وجود نداشت. از کف اطاق گرفته، که از سنگ نیمه تراشیده فسرش
است، تا سقف پوشالین پوشیده ی آن، هیچ چیز سالمی دیده نمیشد.

۱۲- ورسترشایر Worcestershire

در این بخش خانه های خراب شده زیاد نیست ولی از ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۱ جمعیت سرانه ی هر

" the parson and gentlefolks seem frit to death

(۱۷۸ a)

at them".